

## ازدواج موقت در قرآن کریم

محمد اکبر محقق دایکندی \*

شیر

اهداف ازدواج موقت در قرآن کریم

۱۵۷

ازدواج از سنت های مقدس، اصیل و ریشه دار اسلامی است که پیشینه آن، همراه با خلقت آغازین بشر بوده است.

ازدواج و همسر گزینی گرچه از دیدگاه مکتب اسلام یک امر مستحب مؤکد می باشد، اما گاهی به عللی همچون: سالم ماندن افراد از آلوده شدن به ناهنجاری های اخلاقی واجب می گردد. ازدواج و پیمان مقدس زناشویی، رشته ای آسمانی و الهی است که در سایه ی آن در دلها پیوند به وجود می آید و پریشانیها، نا آرامیها و دغدغه های روحی و روانی آرامش می یابد. ازدواج و پیوند زندگی میان زن و شوهر، از بهترین و شیرین ترین پیوندها در روابط انسانها است و کانون خانواده، در زندگی بشر، عالی ترین کانون برای هر زن و مرد و شایسته ترین مرکز برای امنیت، محبت و آسایش است.

ازدواج و تشکیل کانون خانوادگی در مکتب اسلام، آنچنان اهمیت دارد که خداوند متعال از لحظات آغازین این پیوند مقدس، دید و نظر رحمت به سوی آن دارد، چنانچه می فرماید:

«ومن آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا إليها وجعل بینکم مودّة ورحمه إن فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون.»

از نشانه های خداوند این است که برای شما از نوع خودتان، همسرانی خلق نمود تا یه وسیله ی آنان آرامش پیدا کنید و میان شما دوستی و محبت قرار داد و همانا این امر برای مردمی که اندیشه می کنند نشانه هایی است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره اهمیت و جایگاه ازدواج در اسلام می فرماید:

«ما بنی فی الإسلام أحب إلى الله عز وجل من التزویج.»

در اسلام هیچ بنایی محبوب تر و گرامی تر از تزویج در پیشگاه خداوند نیست.

\* دانش پژوه دوره کارشناسی ارشد

در حدیثی دیگر از آن حضرت (ص) نقل شده است که فرمودند:

«وما من شیء أحب إلى الله من بیت یعمر بالإسلام بالنکاح»<sup>۱</sup>

هیچ چیز محبوب تر در پیشگاه خداوند از آن خانه ای در اسلام نیست که با ازدواج آباد گردد. ازدواج از سنت پیامبر اکرم (ص) می باشد چنانچه آن حضرت فرموده است: -

«النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی»<sup>۲</sup>

ازدواج سنت من است و هر کس از سنت من اعراض نماید از من نیست.

از این رو، ازدواج در زندگی انسان یک امر ضروری و لازم است و تشکیل خانواده، اولین واحد و ساختمان اجتماع بشری می باشد که در سایه ی آن جامعه و انسان رشد کرده و به کمال می رسد. و با این دیدگاه است که برای انجام و سرعت دادن به امر ازدواج جوانان در قرآن و روایات تأکید فراوان صورت گرفته است.

در چنین شرایطی مع الأسف باید گفت: امروزه نه تنها در راه تحقق این سنت مقدس - ازدواج دائم - تلاشی صورت نمی گیرد بلکه جوانان و خانواده های آنان، به بهانه های مختلف همچون: ادامه ی تحصیل، نداشتن شغل مناسب، مسکن، هزینه ی ازدواج و... از زیر بار مسئولیت شانه خالی می کنند، غافل از اینکه بهانه جویی ها و تأخیر در انجام ازدواج، پیامدهای ناگوار جسمی و روانی، فردی و اجتماعی، دینی و اخلاقی را نسبت به فرد و جامعه در پی خواهد داشت.

با این وصف، ازدواج موقت که خود نوعی از ازدواج مشروع در اسلام می باشد نه تنها در حال فراموش شدن است، بلکه حتی در میان اکثریت افراد جامعه، یک پدیده ی ضد دینی قلمداد گردیده، و هرگونه سخن از آن جرم و گناه محسوب می شود؛ در حالی که اصل ازدواج موقت در مکتب شیعه و از دیدگاه ائمه معصومین علیهم السلام از ضروریات مذهب جعفری می باشد.

به نظر می رسد، دشمنی آشکار برخی از مسلمانان و نیز مخالفت پنهان برخی از شیعیان با ازدواج موقت، نیز به سلیقه های شخصی و ضعف ایمان آنان باز می گردد، و چه بسیارند کسانی که توان ازدواج های بی شمار برای مردان و زنان را فساد می پندارند و در سایه ی برداشت نادرست از فساد می کوشند ازدواج موقت را، حتی در جامعه ی شیعیان، دست کم متوقف نگاه دارند و مسایل مطرح شده در کتابهای فقهاء گرانقدر را! بحث های نظری و غیر مرتبط با نیازهای جامعه جلوه دهند.

دسته ای دیگر نیز از تصوّر ازدواج موقت در محدوده ی خانواده خویش می پرهیزند و برای گریز از چنان آینده ای، نبردی پنهان را با ازدواج موقت سامان داده و با مطرح کردن مسایلی چون: از هم پاشیده شدن نظام خانواده، افزایش کودکان بی سرپرست، پایمال شدن حقوق زن و گسترش

فساد در جامعه، اندیشه ی نابودی (یا حدّ اقلّ کم رنگ ساختن) فرهنگ اُصیل اسلامی و سنّت پیغمبر اکرم (ص) را در سر می پروراند.

در حالی که این گونه برخورد با احکام قرآنی و سنّت نبوی زبینه ی یک فرد مسلمان و مؤمن نیست و نوعی اهانت به محضر مقدّس پروردگار و رسولش و اهل بیت علیهم السّلام به شمار می آید؛ گویا خداوند و فرشتگانش بی آنکه پیامدهای منفی ازدواج موقت را در نظر بگیرند، مشروعیت آن را امضا کرده اند. یا- نعوذ بالله- به اندازه ی خردمند و دور اندیش نبوده اند و ناسنجیده کرداری ناشایست و زیان بار را، درست و شایسته و سودمند خوانده اند.

در حالیکه چنین نیست و ایمان حقیقی اجازه چنین واکنشی به مؤمنان نمی دهد و احکام فراوانی در اسلام وجود دارد که ما از مصالح و سودهای نهفته در آن آگاه نیستیم.<sup>۴</sup>

بدون شک، نقش و جایگاه ازدواج در جلوگیری از فساد و فحشاء و تأمین سلامت جامعه از بیماری های جسمی و روانی و تقویت پایه های ایمان و... آن چنان مهم است که در روایات اهل بیت علیهم السّلام علت تشریح ازدواج موقت، جلوگیری افراد از ابتلاء به گناه، لذت بردن حلال و آسان مؤمنین و رحمت خداوند برای آنان ذکر شده است.<sup>۵</sup>

### ۱- انواع ازدواج در اسلام

از نظر مکتب اسلام ازدواج دو گونه است: ازدواج دائم و ازدواج موقت.

از آنجایی که هدف اساسی ما در این تحقیق، بررسی (ازدواج موقت در قرآن) می باشد بحث را به این مسأله اختصاص داده و با استناد به آیات شریفه قرآن مجید و روایات، ازدواج موقت را از زوایای مختلف، مورد بحث بررسی قرار خواهیم داد.

#### ۱-۱- معنای متعه:

متعّه در لغت به معنای بهره بردن است و در اصطلاح شرعی به سه بهره (معنی) خاص اطلاق شده است:

۱- نکاح موقت ۲- حج تمتع ۳- مالی که انسان، هنگام طلاق زن دائمی (قبل از دخول) که برای او مهری معین نشده باشد می پردازد.<sup>۶</sup>

در قاموس قرآن، در ذیل آیه ی شریفه «فما استمتعتم به منهنّ فاتوهنّ اجورهنّ» آمده است:

استمتاع به معنای انتفاع است و متعه ی زنان را از آن جهت متعه می نامند که آن مورد انتفاع است تا مدت معلوم، بر خلاف نکاح دائم که مدت معلوم ندارد.<sup>۷</sup>

اهداف ازدواج موقت در قرآن کریم

چنانکه ابن اُثیر در نهایه، ذیل لغت متاع چنین گفته است:

مَتَّعٌ..... هو النِّكاحُ إلى أجلٍ معین و هو من التَّمَتَّعِ بالشَّیءِ..... والإِسْمُ: المَتَّعَةُ کانَ یَتَمَتَّعُ بِهَا الی أمدٍ

معلوم...<sup>۸</sup>

مرحوم راغب اصفهانی، پس از ذکر معانی متعدد در لغت برای ماده ی متع می گوید: «متع النکاح می: أن الرجل کان یشارط المرأه بمال معلوم یعطیها إلى أجل معلوم فإذا انقض الأجل، فارقها من غیر طلاق.»<sup>۹</sup>

صاحب کتاب البستان در ذیل کلمه متع، این معانی را ذکر کرده است:

المتع: به ضم میم، مصدر است و به معنای طناب چاه و معنای دلو و اسم برای تمتیع (بهره دادن) و آنچه که بدان وسیله از زاد و توشه استفاده می شود و به مقصد می رسد و آنچه از صید مورد بهره برداری قرار می گیرد.

متعہ المرأه: جامه هایی که بعد از طلاق زن، از مرد میگیرد که به آنها متعہ الطلاق نیز می گویند.

المتعہ: به کسر میم، اسم برای تمتیع، مانند خود متعہ، به ضم میم به معنای عمره ی حج. المتعہ: به ضم میم استفاده بردن و بهره بردن از زن در صورتیکه قصد ادامه ( ازدواج ) نداشته باشد.<sup>۱۰</sup>

در کتاب اقرب الموارد، نیز ضمن ارائه معانی مختلف برای ماده متع، از جمله این معانی را ذکر کرده است.<sup>۱۱</sup>

### ۱-۲ - عناوین ازدواج موقت در منابع:

درباره ی ازدواج موقت در منابع کتب فقهی و روایی عناوین مختلف وجود دارد که هر یک از آنها به مناسبت موضوع خاص که در این ازدواج وجود دارد بر آن اطلاق می گردد.

در کتب حدیث و روایاتی که در این باره نقل شده است به طور کلی متع به کار رفته است و می توان گفت که، علت آن ذکر کلمه متع در قرآن مجید سوره ی نساء، آیه بیست و چهارم می باشد. زیرا در این آیه ی شریفه کلمه استمتاع ذکر شده است:

«فما استمتعتم به منهن فاتوهن أجورهن...» و واژه ی متع از این آیه ی مبارکه استفاده شده است.

اهداف ازدواج موقت در قرآن کریم

از این رو در روایاتی که از ائمه ی معصومین علیهم السلام نقل شده است کلمه متعه، مورد استفاده قرار گرفته است و همچنین در جمله معروف خلیفه ی دوم که ازدواج موقت را تحریم نمود، نیز از کلمه ی متعه استفاده شده است: «متعتان کانتا فی عهد رسول الله (ص) و انا انهی عنهما و اعاقب علیهما»<sup>۱۲</sup>

در یک جمع بندی می توان گفت که: واژه ی متعه در نزد مسلمین چه در زمان پیامبر اکرم (ص) و چه در زمان سایر ائمه ی معصومین علیهم السلام از عناوین دیگر رایج تر بوده است. حتی در میان مخالفین آن بیشتر همین کلمه و مشتقات آن که تمتع و ایستماع باشد بکار رفته است. در کتب فقهی هم از کلمه ی متعه و هم از نکاح منقطع استفاده شده است.

فقهاء بزرگوارى همانند: شیخ صدوق<sup>۱۳</sup>، شیخ کلینی<sup>۱۴</sup>، شیخ مفید<sup>۱۵</sup>، شیخ طوسی<sup>۱۶</sup>، شهید اول<sup>۱۷</sup>، علامه حلی<sup>۱۸</sup>، و شیخ أنصاری<sup>۱۹</sup>، از کلمه متعه در کتب و آثارشان استفاده کرده اند. اما شهید ثانی<sup>۲۰</sup> و محقق حلی<sup>۲۱</sup> از کلمه ی نکاح منقطع در این زمینه نام برده اند.

کسانی که کلمه متعه را استفاده کرده اند نظر به هدف آن داشته اند که نوعاً در این گونه ازدواج، بهره برداری جنسی (بهره بردن و بهره جستن) از زن است و از این جهت به آن متعه گفته اند. کسانی که کلمه منقطع و یا نکاح موقت را بکار برده اند نظر به زمان و مدت این ازدواج داشته اند و چون ذکر مدت در آن شرط است از این جهت کلمه منقطع را استفاده کرده اند.

البته در برخی روایات، به زنهایی که متعه می شوند عنوان مستأجره نیز ذکر شده است چنانچه در دو روایت از امام صادق (ع) و امام باقر (ع) در پاسخ به این سؤال که: (آیا بیش از چهار زن موقت جایز است یا نه؟) آمده است که امام (ع) فرموده است: بیش از چهار زن جایز است و علت آن این است که: «فإنهن مستأجرات... وإنما هی مستأجره»<sup>۲۲</sup>

در کتب فقهی اهل سنت این بحث وجود دارد که: آیا نکاح متعه، همان نکاح موقت است یا اینکه فرق دارد؟ تقریباً میان آنها اتفاق نظر است که فرقی بین این دو نکاح وجود ندارد.<sup>۲۳</sup>

### ۱-۳ - پیشینه ی تاریخی ازدواج موقت:

موسی جارالله (از فقهای اهل سنت) می گوید: نکاح متعه (ازدواج موقت) از بقایای نکاح جاهلی بوده و قبل از اسلام رواج داشته است. به نظر وی این ازدواج یک امر تاریخی قلمداد شده و به عنوان حکم شرعی از جانب شارع نمی باشد.<sup>۲۴</sup>

تفسیر

اهداف ازدواج موقت در قرآن کریم

گر چه این نظر، از جهات گوناگون، توسط علماء و فقهاء شیعه بویژه علامه امینی (ره) مورد نقد قرار گرفته و جواب مفصل بر رد آن ارائه شده است.<sup>۲۵</sup> اما در هر حال، شکی نیست که اسلام، در آغاز، ازدواج موقت را با اصلاحاتی پذیرفته است تا جایی که اولین مولود از مهاجران به نام عبدالله بن زبیر بن عوام نتیجه ی این نکاح است.

در تفسیر کبیر فخر رازی آمده است که امت بر جواز ازدواج موقت، در صدر اسلام، اتفاق دارند و در این جهت، اختلافی نیست.<sup>۲۶</sup>

جمع کثیری از علمای اهل سنت بر حلیت (مشروعیت) ازدواج موقت، در صدر اسلام اتفاق دارند.

بعضی از این گروه پذیرفته اند که حلیت متعه، در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و ایام ابوبکر و چند سال پس از خلافت خلیفه ی دوم (عمر) استمرار داشته است و خلیفه ی دوم، پس از گذشت چند سال از خلافت خود، در اثر برخورد با بعضی از جریانات، دچار احساسات شد و آن را با حکم معروف خود: «متعتان کانتافی عهد رسول الله (ص) و انا انهی عنهما و اعاقب علیهما..» تحریم نمود.

با اینکه خلیفه ی دوم بر تحریم ازدواج موقت، اصرار می ورزید، علاوه بر رجال شیعی، جمع کثیری از صحابه و تابعین، تسلیم منع خلیفه نشدند و هم بر مشروعیت آن عقیده داشتند تا جایی که عبد الملک بن جریح (متوفای ۱۴۹ یا ۱۵۰ هـ ق) که خود از فقهای معروف تابعین است به گفته ی شافعی ۷۰ و به نقل ذهبی ۹۰ زن را به نکاح موقت خود در آورده بود.

علامه امینی، متجاوز از بیست شخصیت صحابی و تابعی را که طرفدار نظر امامیه بوده و مشروعیت ازدواج موقت را قبول دارند از کتب اعلام اهل سنت، استخراج و با آدرس دقیق معرفی نموده است که در میان آنان شخصیت هایی مانند:

- ۱ - عمران بن حصین.
- ۲ - جابر بن عبدالله انصاری.
- ۳ - عبدالله بن مسعود.
- ۴ - عبدالله بن عمر.
- ۵ - معاویه بن سفیان.
- ۶ - عمرو بن حریت.
- ۷ - ابی بن کعب.
- ۸ - ابیعه بن امیه.
- ۹ - ابو سعید خدری

۱۰ - عطای مکی.

۱۱ - مجاهد.

۱۲ - سدی و... می باشند و هم چنین مالک ابن انس، مؤسس مذهب مالکی به نقل از فخر الدین رفیعی و... و ظاهر کلام احمد بن حنبل در جلد ۴ مسند صفحه ۴۳۶ مشروعیت ازدواج موقت را پذیرفته اند. از طرف دیگر، علامه امینی (ره) با ذکر اسامی اشخاص معروف از صحابه و تابعین که اصل مشروعیت ازدواج موقت را در صدر اسلام پذیرفته اند و همچنین اسامی تعدادی از فقهاء اهل سنت که در منابع شان، آیه ی ۲۴، سوره ی نساء را درباره ی ازدواج موقت دانسته اند، ذکر نموده و قول موسی جارالله، که ازدواج موقت را حکم شرعی نمی داند به طور مفصل مورد نقد قرار داده و آن را رد نموده است.<sup>۲۷</sup>

سقیه

بدین ترتیب، اهل سنت در اینکه ازدواج موقت در صدر اسلام حلال بوده است شکی ندارند اما ادعا کرده اند که این حکم در زمان رسول خدا (ص) و به زبان آن حضرت (ص) نسخ و تحریم شده است. اما شیعه به پیروی از اهل بیت (ع) عقیده دارند که این حکم (مشروعیت) ازدواج موقت، نسخ نشده و تا روز قیامت ادامه دارد.

از این رو، حکم به تحریم و نسخ آن از جانب رسول خدا (ص) بی اساس است علاوه بر صراحت آیه ی ۲۴ سوره ی نساء، روایات در حد تواتر از ائمه ی معصومین (ع) و فتوای فقهاء شیعه در طول تاریخ مبنی بر مشروعیت ازدواج موقت، بیانگر این واقعیت می باشد. ما در بخش دوم با استناد به آیات قرآن مجید، روایات و إجماع فقهاء، مشروعیت ازدواج موقت و استمرار این حکم را تا دامنه ی قیامت ثابت خواهیم نمود.

اهداف ازدواج موقت در قرآن کریم

### ۱-۴- ارکان ازدواج موقت:

از آنجایی که ازدواج موقت (متعّه) از عقود است ارکان آن چهار چیز می باشد:

۱ - صیغه (عقد)

۲ - طرفین عقد. (محل متعه)

۳ - مهر.

۴ - مدت.

ما در این جا بطور فشرده، در مورد آنها بحث خواهیم نمود:

### ۱-۴-۱- صیغه:

اولین رکن ازدواج موقت، صیغه (عقد) است و منظور از آن لفظ مخصوصی است که شرع مقدس آن را برای انعقاد عقد در نظر گرفته است که همان ایجاب و قبول می باشد.

در مورد صیغه عقد ازدواج موقت، بین فقها این بحث وجود دارد که در این ازدواج، اصولاً نیازی به خواندن الفاظ مخصوص است یا اینکه مجرد رضایت قلبی طرفین و هر لفظی که دلالت بر وقوع نکاح داشته باشد کفایت می کند؟

مرحوم فیض کاشانی گفته است: « حصول رضایت قلبی طرفین و وقوع هر لفظی که دلالت بر وقوع نکاح نماید در انعقاد عقد کافی است و نیازی به الفاظ مخصوصه به نام ایجاب و قبول نیست. <sup>۲۸</sup> »

مشیر

اما مشهور فقهاء می گویند: خطبه ی عقد باید با الفاظ مخصوصی خوانده شود و الفاظ مخصوص، در طرف ایجاب عبارتند از: زوجتک، متعتک و انکحتک و در طرف قبول عبارتند از قبلت النکاح، قبلت المتعه و قبلت التزویج. و در طرف قبول می توان فقط به عبارت قبلت اکتفا نمود. <sup>۲۹</sup> در مسأله ی عقد شرایط دیگری چون: خواندن عقد به زبان عربی، ماضی بودن صیغه، قصد انشاء، عاقل، بالغ و ممیز بودن عاقد و طرفین عقد، تعیین زن و شوهر در عقد و رضایت قلبی طرفین به ازدواج و... نیز وجود دارد.

اهداف ازدواج موقت در قرآن کریم

### ۱-۴-۲- طرف عقد:

طرفین عقد (متعه) رکن دوم ازدواج موقت می باشد، بنابر قول مشهور در ازدواج موقت، شرط است که: هرگاه زوج مسلمان باشد زوجه مسلمان و یا کتابی باشد.

صاحب جواهر در این باره می نویسد: ازدواج مرد مسلمان با زن یهودی و نصرانی و مجوسی حلال است اما کراهت دارد و این کراهت در مجوسی بیشتر است و در چنین قرابتی، مرد مسلمان باید زن کتابی خویش را از نوشیدن شراب و خوردن گوشت خوک و انجام سایر محرّمات که ممکن است مرد را از زن خود متنفر سازد نهی کند ولی در غیر این مسایل حق نهی ندارد. <sup>۳۰</sup>

۱۶۴

در عین حال بعضی از فقهاء مثل شیخ مفید <sup>۳۱</sup> و سید مرتضی <sup>۳۲</sup> و... ازدواج مرد مسلمان با زن کتابی را جایز نمی دانند و توجیه شان این است که زن علاوه بر این که از لحاظ فکری و اعتقادی، عملی و اخلاقی می تواند به شوهر خود تأثیر بگذارد به عنوان مادر، نیز نقش عمده ای در پرورش فکری کودک و اعتقادات و رفتار را دارد. زیرا شخصیت انسان بیشتر در دوران طفولیت تکوّن می یابد و این مادر است که بیشترین تأثیر گذاری در سنین طفولیت را در فرزند دارد.

بر اساس روایات مستحب است انسان زن مؤمنه و عفیفه را به متعه بگیرد.<sup>۳۳</sup>

### ۱-۴-۳- مهر:

رکن سوم ازدواج موقت، مهر است. وجود مهر در نکاح موقت شرط است چنانچه، مهر در این ازدواج نباشد عقد باطل است و در این مسأله فقهاء شیعه اتفاق نظر دارند.<sup>۳۴</sup> و در مهر شرط است (عین) چیزی باشد، که مرد و زوج مالک آن باشد و در عین حال، آن شیء مالیت داشته باشد و قابل تسلیم باشد و یا حقی از حقوق مالی و یا منفعت اعیان خارجی باشد (اعم از اموال منقول و غیر منقول) و مقدار آن بستگی به توافق طرفین دارد و میزان خاصی در نظر گرفته نشده است.

آنچه که در مهر شرط شده این است که، مقدار آن معلوم باشد یا از طریق کیل، وزن، عدد و یا از طریق مشاهده (در صورتی که شیء حاضر مهر زوجه قرار بگیرد) یا به وصف (در صورتی که شیء غیر حاضر مهر در نظر گرفته شود).<sup>۳۵</sup>

### ۱-۴-۴- مدت:

رکن چهارم ازدواج موقت، تعیین مدت در متن عقد است و اصولاً مهم ترین وجه تمایزی که ازدواج موقت با ازدواج دائم دارد همین نکته است که ازدواج موقت، موقتی است و ازدواج دائم، دائمی است؛ یعنی در ازدواج موقت، زن و مرد تصمیم می گیرند که به طور موقت با هم ازدواج کنند و پس از پایان مدت اگر تمایل داشتند تمدید می کنند و یا به عقد دائم تبدیل می نمایند و اگر مایل نبودند بدون طلاق از یکدیگر جدا می شوند، در حالی که در ازدواج دائم، زن و شوهر قصد دارند که تا پایان عمر زندگی مشترک داشته باشند و در صورت اختلاف و بروز مشکل در زندگی خانوادگی از طریق طلاق از هم جدا می گردند.

تعیین مدت در ازدواج موقت، باید طوری باشد که از نظر کمیت هیچ نکته ی مبهمی وجود نداشته باشد و اگر مدت ازدواج در عقد ذکر نشود بنا بر قول مشهور، عقد مذکور تبدیل به عقد دائم می گردد.<sup>۳۶</sup>

البته مقدار مدت، مثل میزان مهر در اختیار طرفین است کم باشد یا زیاد، مثل روز، ماه، سال و... زیرا شارع مقدس حدی برای آن تعیین نکرده است و آن را به عهده ی زن و مرد گذاشته تا بر اساس توافق طرفین عمل گردد و این مسأله یکی از امتیازات ازدواج موقت به شمار می آید.<sup>۳۷</sup>

## ۱-۵- احکام ازدواج موقت:

کسانی که ازدواج دائم با آنها حرام است ازدواج موقت نیز با آنان حرام است:

حرمت نکاح در اسلام از چند طریق است:

۱-۵-۱ - حرمت نکاح از راه نسبت است. مثل مادر و هر چه بالا رود و دختر هرچه پایین آید و خواهر و فرزندان او، دختران برادر، عمه و خاله.

۱-۵-۲ - حرمت نکاح از جهت شیر خوردن است و هر چه که به سبب نسبت حرام است به سبب شیر خوردن هم حرام است.

۱-۵-۳ - حرمت نکاح از راه مصاهرت است یعنی به واسطه ی ازدواج با فردی، ازدواج با افراد دیگری حرام می شود مثل زن پدر، زن پسر و خواهر زن، دختر خواهر زن و برادر زن، مگر با اجازه همسر که اگر همسر اجازه داد با دختر خواهر خود و یا دختر برادر او ازدواج صحیح است و در غیر آن ازدواج صحیح نیست.

۱-۵-۴ - حرمت نکاح از راه زنا و لواط، که مادر و دختر زنی که با او زنا کرده باشد یا مادر و دختر و خواهر کسی که با او لواط شده است حرام است.<sup>۳۸</sup>

## ۱-۶- تفاوت ازدواج موقت با ازدواج دائم:

۱-۶-۱ - ازدواج موقت، طلاق ندارد و با تمام شدن وقت زن و مرد با هم نا محرم می شوند.

۱-۶-۲ - زن و مرد از همدیگر ارث نمی برند.

۱-۶-۳ - زن حق مسکن و نفقه ندارد.

۱-۶-۴ - محدود به عدد، مثل ازدواج دائم که از چهار زن بیشتر نباشد، نیست.

۱-۶-۵ - تقسیم ندارد، یعنی زوج در صورتی که چند زن دائمی داشته باشد باید شب ها را

میان زنان تقسیم نماید ولی همسران موقت این حق را بر شوهر ندارند.

۱-۶-۶ - در ازدواج موقت، قول خود زن مبنی بر اینکه شوهر ندارد و یا در عده ی دیگری

نیست قبول است و تفتیش لازم نیست.

۱-۶-۷ - شاهد در عقد موقت لازم نمی باشد.

۱-۶-۸ - اگر فرزند متولد شود حلال زاده و از پدر است و نفقه فرزند بر عهده ی پدر

می باشد.

۱- ۶- ۹- در یک عقد نمی شود مدت را زیاد کرد هر چند اجرت (مهر) را زیاد نماید، بلکه در صورت تمایل به ادامه ی آن، مرد مدت را بیخشد تا زن نامحرم شود و دوباره با تعیین مدت و اجرت، عقد بخواند.

۱- ۶- ۱۰- ازدواج موقت، تحسن آور نمی باشد یعنی اگر مردی، همسر داشته باشد و عمل خلاف انجام دهد او را سنگسار می کند، ولی چنانچه زن نداشته باشد او را شلاق می زند اما زن موقت، باعث تحسن مرد، نمی شود لذا در صورت ارتکاب عمل خلاف، با زن نامحرم دیگر، سنگسار نمی گردد.

۱- ۶- ۱۱- زنی که به عمل خلاف مبتلا باشد ازدواج موقت با او جایز است اما کراهت دارد و باید او را نگاه دارد تا از آب حرام پاک شود.

۱- ۶- ۱۲- اگر مردی با همسرش عهد کرده باشد که هیچ زنی، حتی زن موقت نگیرد این عهد و وعده لازم الاجرا نمی باشد و مرد باید به سنت پیامبر خدا (ص) عمل نماید. (می تواند ازدواج موقت کند).

۱- ۶- ۱۳- زنی که با طلاق غیر صحیح طلاق گرفته باشد ازدواج با او حرام است. مثل سه طلاقه کردن یک زن در یک مجلس.

۱- ۶- ۱۴- با دختر خواهر و دختر برادر زن موقت، نمی شود ازدواج موقت کرد، مگر با اجازه او.

۱- ۶- ۱۵- با دو خواهر در یک زمان ازدواج موقت، جایز نیست و در مدت عده ی یک خواهر، ازدواج موقت با خواهر دیگر او نیز جایز نیست.

۱- ۶- ۱۶- عده ی زن موقت اگر عادت می شود، یک پاک شدن کافی است و اگر عادت نمی شود باید ۴۵ روز عده نگهدارد بعد همسر موقت کس دیگری شود و اگر در هنگام ازدواج موقت، شوهر فوت شود زوجه باید عده ی وفات نگهدارد. (مثل همسر دائمی).

۱- ۶- ۱۷- زن موقت را نمی شود از شهری به شهری برد.<sup>۳۹</sup>

و....

شیخ مفید (ه) احکام مذکور را از احادیث ۱ الی ۳۸ که در رساله اش ذکر کرده است استفاده نموده است و ممکن است فتاوی مراجع فعلی کم و بیش با این احکام تفاوت داشته باشد.

تفسیر

اهداف ازدواج موقت در قرآن کریم

۱۶۷

## ۲- ادله ی مشروعیت ازدواج موقت:

در این فصل ادله ی مشروعیت ازدواج موقت را با استناد به قرآن مجید، روایات و اجماع فقها بازگو می نمایم:

### ۲-۱- قرآن مجید:

اولین دلیل و گواه، بر مشروعیت ازدواج موقت، قرآن مجید است. خداوند متعال در آیاتی از قرآن مجید به این امر تصریح نموده و برخی از آداب و احکام آن را بازگو فرموده است:

در سوره ی نساء، آیه ی ۱۴ آمده است: «فما استمتعتم به منهن فاتوهن أجرهن فريضة فلاجناح عليكم فيما تراضيتن به من بعد الفريضة إن الله كان عليماً حكيماً.»

مهر زنانی را که با آنان ازدواج نمودید به عنوان فريضة به آنان بدهید و درباره ی آنچه با یکدیگر، توافق کرده اید بعد از تعیین مهر، گناهی بر شما نیست همانا خداوند دانا و حکیم است.

بدون شک، مراد از استمتاع مذکور، در این آیه شریفه، نکاح متعه (ازدواج موقت) است چون آیه شریفه، از آیات مدنی است زیرا این آیه در سوره ی نساء واقع شده است که در نیمه اول بعد از هجرت نازل شده است و شکی نیست که نکاح موقت در آن زمان، بین مسلمانان معمول بوده است. چه اینکه اسلام آن را تشریح کرده باشد یا اینکه از تأسیسات شارع اسلام نباشد بلکه قبل از اسلام معمول بوده است.

بنابراین اصل چنین نکاحی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و در پیش چشم و گوش آن حضرت (ص) جای تردید نمی باشد.

از این رو چاره ای جز این نیست که جمله ی «فما استمتعتم به منهن فاتوهن...» را حمل بر ازدواج موقت نمائیم. هم چنان که سایر رسوم و سنت هایی که در عهد نزول قرآن به اسامی خودش معروف و شناخته می شد، آیات قرآن بر آن معنای معهود حمل می شد و واژه ی استمتاع در جمله مورد بحث را باید بر نکاح متعه (ازدواج موقت) حمل نماییم زیرا در زمان نزول آیه، لفظ متعه بر همین معنای ازدواج بر سر زبان ها دوران می یافته است.<sup>۴۰</sup>

این حقیقت، زمانی روشن تر می شود که آیه های قبل و بعد از این آیه را مورد بررسی قرار می دهیم:

«من لم يستطع منكم طولاً أن ينكح المحصنات المؤمنات فمن ما ملكت أيمانكم...»<sup>۴۱</sup>

و آنها که توان ازدواج با زنان پاکدامن را ندارند می توانند با با زنان پاکدامن که در اختیار دارید ازدواج کنید...

«ولا تنكحوا ما نکح آبائکم من النساء إلا ما قد سلف إنّه کان فاحشه و مقتاً و ساء سبیلاً»<sup>۴۲</sup>  
و با زنانی که پدرانتان با آنها ازدواج کرده اند ازدواج نکنید مگر آنهایی که در گذشته انجام شده است. این کار، زشت و تنفر آور است و روش نادرست شمرده می شود.

«حرمت علیکم امهاتکم و بناتکم و أخواتکم و عماتکم و خالاتکم و بنات الأخ... و أن تجمعوا بین الأخین إلا ما قد سلف إن الله کان غفوراً رحیماً»<sup>۴۳</sup>

شیر

حرام شده است بر شما مادران تان و دختران و خواهران و عمه ها و خاله ها و دختران برادر و دختران خواهر تان و مادرانی که شیرتان داده اند و خواهران شیری. و مادران همسر و دختران همسران که با آنها آمیزش کرده اید اگر با آنان آمیزش نداشته اید باکی بر شما نیست و همچنین همسران پسران تان که از نسل شمایند و نیز حرام است که بین دو خواهر جمع کنید مگر آنچه در گذشته واقع شده باشد خداوند آمرزنده و مهربان است.

اهداف ازدواج موفق در قرآن کریم

«والمحصنات من النساء إلا ما ملکت ایمانکم کتاب الله علیکم و أحل لکم ما وراء ذلكم إن تبتغوا بأموالکم محصنین غیر مسافحین فما استمتعتم به منهن فأتوهن أجورهن...»

در این آیه ی شریفه، خداوند متعال پس از بیان کسانی که ازدواج با آنها حرام است می فرماید:

غیر از آنان بر شما حلال شده است آنگاه انواع راههای مشروعیت دستیابی به زنان را بر می شمارد و آیه ی «فما استمتعتم به منهن...» در چنین جایگاهی نمی تواند جز مشروعیت ازدواج موقت، معنایی داشته باشد.

۱۶۹

و از طرفی چنانچه «ما استمتعتم» به معنای لغوی گرفته شود این اشکال به وجود می آید که اگر بر فرض به هر علتی مثل کراهت از همسر در مقاربت، احساس التذاد، در مرد حاصل نشود پرداخت مهریه بر او واجب نباشد، در حالی که چنین حکمی در شریعت اسلام نیست و مرد باید برای هم بستر شدن با همسرش کل مهریه را بعد از مقاربت، و نیم آن را قبل از مقاربت بپردازد.<sup>۴۴</sup>  
از این مهم تر آنکه در جمله ی مورد بحث، استمتاع، شرط دادن اجرت، قرار گرفته و خداوند فرموده است: اگر از زنی استمتاع بردید واجب است اجرت وی را بدهید در حالی که در عقد، استمتاع شرط نیست.

وقتی مردی، زن دائمی را برای خود عقد می کند به محض تمام شدن عقد، بر ذمه ی زوج واجب است، اگر دخولی صورت بگیرد تمام مهر را بدهد وگرنه نصف آن را پرداخت کند.

در یک جمع بندی در دلالت آیه ی شریفه ی «فما استمتعتم به منهن فاتوهن أجورهن» بر مشروعیت ازدواج موقت می توان قراین ذیل را ذکر نمود: --

اولاً: کلمه متعه که «استمتعتم» از آن گرفته شده است در اسلام به معنای ازدواج موقت است و به اصطلاح، در این باره حقیقت شرعیه می باشد گواه بر این است که این کلمه (متعّه) با همین معنا در روایات پیامبر (ص) و کلمات صحابه مکرر به کار برده شده است.

ثانیاً: اگر کلمه متعه به معنای لغوی خود بهره گیری تفسیر شود نتیجه معنای آیه چنین خواهد شد، اگر از زنان دائم بهره گرفتید مهر آنان را بپردازید در حالی که پرداختن مهر مشروط به بهره گیری از زنان نیست بلکه تمام مهر بنابر مشهور یا حداقل نیمی از مهر به مجرد عقد ازدواج دائم واجب می شود.

ثالثاً: بزرگان اصحاب و تابعین مانند: ابن عباس، دانشمند و مفسر معروف اسلام و ابی بن کعب و جابر بن عبدالله انصاری و عمران بن حصین و سعید بن جبیر و مجاهد و قتاده و سدی و گروه زیادی از مفسران اهل سنت و تمام مفسران اهل بیت (علیهم السلام) از آیه ی فوق حکم ازدواج موقت را فهمیده اند تا آنجا که فخر رازی بعد از توضیح مشروحه ی درباره ی آیه می گوید: ( ما بحث نداریم که از آیه ی فوق حکم بجواز متعه، استفاده می شود بلکه می گوییم: حکم مذکور، بعد از مدتی نسخ شده است).

رابعاً: ائمه اهل بیت علیهم السلام که به اسرار وحی از همه آگاه تر بودند، متفقاً آیه ی شریفه را به همین معنی تفسیر فرموده اند و روایات فراوانی در این زمینه نقل شده است (که در بحث روایات ذکر خواهد شد) از جمله از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «المتعّه نزل بها القرآن و جرت به السنّه» حکم متعه در قرآن نازل شده است و سنت پیامبر (ص) بر طبق آن جاری شده است.

از امام باقر(ع) نیز نقل شده است که در پاسخ عبدالله بن عمیر لیشی در مورد متعه فرمود: «احلّها الله فی کتابه و علی لسان نبیّه فهی حلال الی یوم القیامه.»

خداوند متعه را در قرآن و بر زبان پیامبرش(ص) حلال کرده است و تا روز قیامت حلال می باشد.<sup>۴۵</sup>

آیه ی دیگر که بر مشروعیت ازدواج موقت دلالت دارد آیه ی ۸۷ سوره مائده است که خداوند متعال می فرماید: «یا ایّها الدّین آمنوا لا تحرّموا طیّبات ما أحلّ الله لکم ولا تعتدوا إنّ الله لا یحبّ المعتدین.»

ای کسانی که ایمان آورده اید چیزهای پاکیزه ای که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام  
مشمایید و از حد تجاوز نکنید همانا خداوند تجاوزگران از حد را دوست ندارد.

مرحوم محقق کرکی از کتاب متعه ای شیخ مفید بهره برده و این آیه ی شریفه را برای اثبات  
مشروعیت ازدواج موقت، مورد استفاده قرار داده است.<sup>۴۶</sup>

در منابع متعدّد اهل سنت، در روایتی از عبدالله بن مسعود نقل شده است که وی آیه شریفه را  
بر مشروع بودن ازدواج موقت (متعه) قرائت کرده است.

«عن قیس قال: سمعت عبدالله يقول: كُنَّا نَغزُوا مع رَسُولِ اللَّهِ (ص) لَيْسَ لَنَا نِسَاءٌ فَقُلْنَا: أَلَا نَسْتَخْصِي؟  
فَنَهَانَا عَنْ ذَلِكَ ثُمَّ رَخَّصَ لَنَا أَنْ تَنْكَحَ الْمَرْأَةَ بِالثَّوْبِ إِلَى أَجْلِ ثُمَّ قَرَأَ عَبْدُ اللَّهِ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ  
مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ...»<sup>۴۷</sup>

از قیس روایت شده است که از عبدالله شنیدم که می گفت: ما با رسول خدا (ص) در جنگ  
بودیم و زنان همراه ما نبودند خدمت حضرت آمدیم گفتیم: می توانیم خود را خصی (اخته) نماییم؟  
حضرت ما را از این عمل نهی فرمود و اجازه داد که در برابر لباس و جامه ای با زنی تا زمان  
معین ازدواج موقت نماییم و عبدالله این آیه را تلاوت نمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ...»<sup>۴۸</sup>

از آیات شریفه ی دیگر قرآن مجید که بر جواز مشروعیت ازدواج موقت استدلال شده است  
آیات ذیل می باشد:

۱ - آیه سی و دوم أعراف: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ  
آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَخَالَصَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...»

۲ - آیه دهم سوره ممتحنه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مَهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ... وَلَا  
جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكَحُوهُنَّ إِذَا أَتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ...»

۳ - آیات سوم تا پنجم سوره تحریم: «وَإِذَا أَسْرَأْتَنِي إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا... نُسَبَاتٍ وَأَبْكَارًا.»

۴ - آیات پنجم تا هفتم سوره مومنون: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَعْتَابِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ  
أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ، فَمَنْ ابْتغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ.»

تفسیر

اهداف ازدواج موقت در قرآن کریم

۱۲۱

۵ - آیه ی دوم سوره ی فاطر: « ما یفتح الله للناس من رحمه فلا ممسک لها و ما یمسک فلا مرسل له من بعده و هو العزیز الحکیم. »

۶ - آیه پنجاهم سوره احزاب: « یا ایها النبی انا احللتنا لک ازواجک اللاتی آتیت اجورهن اوی ما ملکت یمینک مما آفاه الله علیک ... »<sup>۴۹</sup>

ما در این جا از باب اختصار، به ذکر آیات شریفه اکتفا نمودیم و مرحوم مجلسی بعضی از این آیات شریفه را بر مشروعیت ازدواج موقت، ذکر نموده است.<sup>۵۰</sup>

## ۲-۲-۲- روایات:

یکی از دلیل های متقن و محکم مشروعیت ازدواج موقت، روایات می باشد. روایات موجود را می توان به دو دسته جمع بندی نمود:

دسته ی اول: روایاتی است که از طریق منابع اهل سنت، بدست ما رسیده است و به طور مستقیم دلالت بر جواز ازدواج موقت دارد.

دسته ی دوم: احادیثی که از طریق اهل بیت علیهم السلام در قالب منابع شیعه، در اختیار ما قرار دارد و بیانگر مشروعیت این ازدواج می باشد.

### الف - روایات اهل سنت:

روایاتی که دلالت بر مشروعیت ازدواج موقت دارد در اکثر منابع مهم و معتبر اهل سنت ذکر شده است.

جلال الدین سیوطی در کتاب تفسیر الدر المنتور، حدود سی و یک (۳۱) روایت از اعلام اهل سنت، ذکر نموده است که تمام آنها صراحت و یا ظهور بر مشروعیت این ازدواج دارد.<sup>۵۱</sup>

در کتاب صحیح مسلم در بخش نکاح باب المتعه در حدود بیست و چهار (۲۴) روایت درباره ی متعه، آمده است که اکثر این روایات دلالت بر مشروعیت ازدواج موقت در صدر اسلام دارد و تعدادی دیگر از آنها بر بقای جواز آن تا نیمی از حکومت خلیفه ی دوم صراحت دارد.<sup>۵۲</sup>

علامه ی امینی در کتاب الغدیر، جلد ششم گفته است که: (آمار روایات اهل سنت حدوداً به چهل (۴۰) حدیث می رسد و ایشان حدود سی روایت را به تفصیل از منابع متعدد و معتبر آنها بیان کرده است.)<sup>۵۳</sup> ما در این جا برخی از آن روایات را ذکر می نماییم:

## روایت اول:

«عن عبدالله بن مسعود قال: كنا نغزوا مع رسول الله (ص) ليس لنا نساء فقلنا ألا نستخصي؟

فنهانا عن ذلك ثم رخص لنا أن تنكح المرأة بالثوب إلى أجل ثم قرأ عبدالله:

يا أيها الذين آمنوا لا تحرموا طبيبات ما أحل الله لكم ولا تعتدوا إن الله لا يحب المعتدين.»

از عبدالله بن مسعود نقل شده است: که ما با حضرت رسول در جنگ حاضر بودیم و زنان با ما همراه نبودند به ایشان عرض کردیم آیا اجازه می‌دهید که خود را خصی (اخته) کنیم؟ حضرت رسول خدا (ص) ما را از این عمل نهی فرمود و اجازه داد که با دادن لباسی زنی را تا زمان معین به عقد خود در آوریم. پس از آن عبدالله این آیه ی شریفه را تلاوت نمود:

«يا أيها الذين آمنوا لا تحرموا طبيبات ما أحل الله لكم...»<sup>۵۴</sup>

در صحیح مسلم آمده است که جریر از اسماعیل ابن ابی خالد به همین سند، مثل این حدیث را نقل کرده است و پس از آن این آیه ی مبارکه را بر حلیت متعه تلاوت نمود و جمله ی قرء عبدالله را ندارد.<sup>۵۵</sup>

## روایت دوم:

«عن جابر بن عبدالله و سلمه بن الأكوع قالا: خرج علينا منادی رسول الله فقال: إن رسول الله (ص) قد

أذن لكم أن تستمتعوا. (یعنی متعه النساء)»

جابر بن عبدالله و سلمه بن الأكوع با هم گفته اند که منادی (جارچی) رسول خدا (ص) برای

ما اعلام نموده گفت: رسول خدا (ص) برای شما اجازه ی استمتاع و متعه زنان را داده است.<sup>۵۶</sup>

## روایت سوم:

«عن سلمه بن الأكوع و جابر بن عبدالله: إن رسول الله (ص) أتانا فأذن لنا في المتعه.»

از سلمه بن الأكوع و جابر آمده است: رسول خدا (ص) بر ما وارد شد (ما شرفیاب خدمت

شدیم) برای ما ازدواج موقت را اجازه داد.<sup>۵۷</sup>

روایت چهارم:

« قال عطاء قدم جابر بن عبدالله: معتمراً فجنناه بمنزله فسأله الصوم عن أشياء ثم ذكروا المتعه فقال: استمتعنا على عهد رسول الله (ص) وأبي بكر وعمر.»

عطا روایت کرده است که جابر بن عبدالله برای انجام مناسک عمره به مکه آمده بود و ما در منزل وی به دیدارش رفتیم و مردم از چیزهایی مختلف سوال می نمودند تا اینکه از متعه (ازدواج موقت) سخن به میان آمد جابر گفت: ما در زمان رسول خدا (ص) و ابوبکر و عمر (خلفای اول و دوم) از متعه بهره مند بودیم.<sup>۵۸</sup>

تفسیر

روایت پنجم:

« ابو الزبير قال: سمعت جابر بن عبدالله يقول كنا نستمتع بالقبضه من التمر والدقيق الايام على عهد رسول الله (ص) و ابي بكر حتى نهى عنه عمر في شأن عمرو بن حريث.»

ابو زبیر می گوید: از جابر شنیدم که می گفت: ما در برابر مشتکی از خرما و آرد، در زمان حضرت پیامبر (ص) خلافت ابوبکر، زنان را متعه می کردیم تا اینکه خلیفه دوم آنرا در شأن عمرو بن حریث منع نمود.<sup>۵۹</sup>

اهداف ازدواج موقت در قرآن کریم

روایت ششم:

« قال عمران بن حصين، أمرنا رسول الله (ص) بالمتعه و مات بعد ما أمرنا بها ولم ينهنا عنه قال رجل برأيه ما شاء.»

عمران بن حصین گفت: رسول خدا (ص) ما را به متعه امر نمود و از آن نهی نکرد تا زمانی که رحلت نمود. مردی به رأی خود گفت آنچه که می خواست.<sup>۶۰</sup>

### روایت هفتم:

«عن ابن جریح قال: اخبرنی عطا قال: سمعت ابن عباس یقول: رحم الله عمر ما كانت المتعه إلا رحمه من الله تعالى رحم الله أمه محمد (ص) ولو لا نهیه لما یحتاج الی الزنا الإشفاء.»  
ابن جریح از عطا نقل کرده است. که ابن عباس می گفت: خداوند عمر را رحمت کند متعه رحمتی از جانب خداوند بود که برای امت محمد(ص) مرحمت کرده بود اگر نهی خلیفه نبود غیر از آدم های شقی و بدبخت، عمل خلاف عفت انجام نمی دادند.<sup>۶۱</sup>

### روایت هشتم:

«عن عبد الرحمن، سأل رجل عن ابن عمر، عن المتعه وأنا عنده، متعه النساء؟ فقال: والله ما كنا علی عهد رسول الله (ص) زانین ولا مساقحین.»

عبدالرحمن روایت کرده است که: مردی از پسر عمر (خلیفه دوم) از متعه زنها سوال نمود؟ و من در پیش او بودم. پسر عمر گفت: بخدا قسم ما در زمان رسول خدا (ص) زناکار و بی عفت نبودیم.<sup>۶۲</sup>

لازم به یادآوری است: احادیثی را که ما در این جا ذکر نمودیم در اکثر منابع معتبر اهل سنت، مثل: احکام القرآن جصاص، الدر المنثور سیوطی، تفسیر کبیر فخر رازی، تفسیر قرآن ابن کثیر، جامع البیان فی تفسیر القرآن قرطبی و... وجود دارد و روایات فراوان دیگری که به طور صریح و ضمنی دلالت بر جواز ازدواج موقت دارد و ما به عنوان نمونه به بیان روایات مذکور اکتفا نمودیم.

### ب - روایات شیعه:

روایاتی که از طریق اهل بیت علیهم السلام پیرامون مشروعیت ازدواج موقت در منابع شیعه وجود دارد در حد تواتر می باشد و از این رو، مشروعیت این ازدواج از ضروریات مذهب شیعه شمرده شده است و علمای شیعه (امامیه) بر حلیت آن اجماع دارند.

روایات شیعه، درباره ی ازدواج موقت، تنها در کتاب وسایل الشیعه بیش از دویست (۲۰۰) حدیث<sup>۶۳</sup> و در کتابهای فروع کافی<sup>۶۴</sup> و مستدرک الوسائل<sup>۶۵</sup> هر یک حدود ۹۰ روایت و در بحار الأنوار روی هم رفته، نزدیک ۱۰۰ روایت<sup>۶۶</sup> و در من لا یحضره الفقیه بیش از سی روایت<sup>۶۷</sup> و در تهذیب الأحکام ۸۹ روایت<sup>۶۸</sup> درباره ی متعه وجود دارد که همگی آنها صراحت در مشروعیت آن

دارد از طرفی بیانگر تأکید ائمه ی معصومین (ع) بر انجام آن به عنوان یک سنت مسلم اسلامی در جامعه می باشد.

ما در اینجا به عنوان تبرک، برخی از آن روایات را ذکر می نماییم:

۱ - امام صادق (ع) پذیرش ازدواج موقت را از نشانه های شیعه بودن دانسته، می فرماید: «لیس منا من لم یومن بکرتنا ولم یستحل متعتنا.»

کسی که به رجعت ما ایمان نداشته باشد و ازدواج موقت که حلال می دانیم، حلال نداند از ما نیست.<sup>۶۹</sup>

۲ - بکر بن محمد درباره ی جایگاه ازدواج موقت از امام صادق (ع) سوال نمود و حضرت (ع) در جوابش فرمود: «انی لا کره للرجل أن یخرج عن الدنیا وقد بقیت علیه خلّه من خلال رسول الله (ص) لم یفضها.»

خوش ندارم مردی مسلمان از دنیا برود و خصلتی از خصلتهای رسول خدا (ص) را انجام نداده باشد.<sup>۷۰</sup>

۳ - شیخ صدوق نقل می کند که راوی حدیث در ادامه از امام صادق (ع) سوال نمود: «فقلت: هل تمتع رسول الله (ص)؟ قال: نعم وقرأ هذه الآیه: وإذا أسر النبی الی بعض أزواجه حدیثاً... الی قوله تعالی نئیات و أبکاراً.»

به امام صادق (ع) عرض کردم: آیا رسول خدا (ص) نیز ازدواج موقت انجام می داد؟ حضرت (ع) فرمود: بلی و آیه ی: «وإذا أسر النبی الی بعض أزواجه حدیثاً» (آیات سوم، چهارم و پنجم سوره ی تحریم) را تلاوت نمود.<sup>۷۱</sup>

۴ - شیخ صدوق به اسناد خود از عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) نقل می کند: «قال الصادق (ع): إن الله تبارک و تعالی، حرّم شیعتنا المسکر من کل شراب و عوضهم عن ذالک المتعه.»  
امام صادق (ع) فرمود: خداوند شراب را بر شیعیان ما حرام نموده و عوض آن، ازدواج موقت را حلال نموده است.<sup>۷۲</sup>

۵ - شیخ مفید روایت کرده است که امام صادق (ع) فرمود: «یستحب للرجل أن یتزوّج المتعه و اما أحب للرجل منکم أن یخرج من الدنیا حتی یتزوج المتعه و لو مره.»

برای مرد مسلمان مستحب است که ازدواج موقت نماید و من دوست ندارم که مردی از شما از دنیا برود مگر اینکه ازدواج موقت کرده باشد و لو یک مرتبه.<sup>۷۳</sup>

۶- صالح بن عقبه به نقل از پدرش از امام باقر (ع) درباره ثواب و پاداش ازدواج موقت روایت کند: «قلت للمتمتع ثواب؟ قال: إن كان يريد بذلك وجه الله تعالى و خلافاً على من أنكرها لم يكلمها كلمة إلا كتب الله له بها حسنة ولم يده إليها إلا كتب الله له حسنة فإذا دنا منها غفر الله بذلك ذنباً فإذا اغتسل غفر الله له بقدر ما مر من الماء على شعره. قلت: بعدد الشعر؟ قال: بعدد الشعر.»

خدمت امام باقر (ع) عرض کردم: آیا برای کسی که ازدواج موقت کند ثواب و پاداشی دارد؟ حضرت (ع) فرمود: اگر به واسطه این امر رضایت خدا و مخالفت با منکران ازدواج موقت را اراده کند هیچ حرفی نمی گوید، مگر اینکه خداوند برای او حسنه می نویسد و دست خود را سوی آن (زن) دراز نمی کند مگر اینکه از طرف خداوند برای وی حسنه می نویسد و هر گاه با آن نزدیک (آمیزش) نماید با این امر، خداوند گناهان او را می بخشد و هر گاه غسل کند خداوند به اندازه ی موهایی که آب بر آن میریزد گناهانش را می آمرزد. عرض کردم به عدد موهای بدن او؟ حضرت فرمود: به عدد موهای او.<sup>۷۴</sup>

۷- امام صادق (ع) در مورد پاداش الهی به مردی که ازدواج موقت کند این چنین می فرماید: «ما من رجل تمتع ثم اغتسل إلا خلق الله من كل قطره تفر من سبعين ملكاً يستغفرون له إلى يوم القيامة و يلعنون متجنّبها إلى أن تقوم الساعة.»

هیچ مرد متعه کننده ای نیست که پس از آن غسل نماید، مگر اینکه خداوند از هر قطره آبی که از او می ریزد هفتاد فرشته می آفریند که تا روز قیامت برای او استغفار و برای کسی که جلوگیری کرده است (یا مانع شود) تا روز قیامت، لعنت می نماید.<sup>۷۵</sup>

۸- محمد بن مسلم از امام صادق (ع) این چنین روایت می کند:

«قال: قال لي: تمتعت؟ قلت: لا، قال: لا تخرج من الدنيا حتى تحيي السنه.»

حضرات امام صادق (ع) به من فرمود: آیا تاکنون متعه کرده ای؟ عرض کردم نه، امام (ع) فرمود: از دنیا نروی تا اینکه سنت رسول خدا (ص) را زنده کرده باشی.<sup>۷۶</sup>

۹- زراره از امام جعفر صادق (ع) نقل میکند که حضرت (ع) فرمود: «المتع و الله افضل و بها نزل

الكتاب و جرت السنه.»

قسم به خدا ازدواج موقت، بهتر است و حکم آن در قرآن نازل شده است و سنت پیامبر (ص) بر طبق آن جاری شده است.<sup>۷۷</sup>

۱۰- در حدیثی از امام باقر (ع) می فرماید:

« قال رسول الله (ص) لحقنی جبرئیل فقال: یا محمد (ص) إن الله یقول: قد غفرت للمتمتعین من

أمتک من النساء.»

رسول خدا (ص) فرمود: وقتی که خداوند مرا به آسمان بالا برد جبرئیل با من بود و به من گفت: خداوند می فرماید: من گناهان زن هایی که از اُمت تو ازدواج موقت کنند می بخشم.<sup>۷۸</sup>

۱۱- اسماعیل بن فضل هاشمی از امام صادق (ع) روایت کرده است که:

« قال لی ابو عبدالله (ع): تمتعت منذ خرجت من أهلك؟ قلت: لكثره ما معی من الطروقه أغنا فی الله

عنهما قال: وإن كنت مستغنياً فإني أحب أن تحیی سنه رسول الله.»

امام صادق (ع) به من فرمود: زمانی که از همسرت دور شده ای متعه کرده ای؟

عرض کردم: در کنار من همرهان بسیاری وجود دارد و من سرگرم با آنها می باشم (گرفتاری فراوانی دارم) نیازی در خود احساس نکرده ام. حضرت (ع) فرمود: اگر چه بی نیاز هستی، اما من دوست دارم که سنت پیامبر (ص) را زنده بدارید.<sup>۷۹</sup>

۱۲- ابو بصیر می گوید: روزی خدمت امام صادق (ع) رسیدم، فرمود:

« یا أبا محمد تمتعت منذ خرجت من أهلك بشئ من النساء؟ قلت: لا. قال ولم؟ قلت: ما معی من

النفاقه یقصر عن ذالك، قال: فأمرلی بدینار. قال: أقسمت علیك ان صرت الی منزلک حتی تفعل، قال: فعلت.»

ای ابومحمد از روزی که از همسرت دور شده ای با زنی ازدواج موقت کرده ای؟ گفتیم: نه

حضرت (ع) فرمود: چرا؟! گفتیم: مالی و پولی در اختیارم نبود که بتوانم ازدواج موقت کنم. حضرت (ع)

امر کرد یک دینار برایم دادند و فرمود: سوگندت می دهم همین که به استراحتگاه خود رفتی حتماً آنرا انجام بده. من (آنچه امام (ع) فرمود) انجام دادم.<sup>۸۰</sup>

در اینجا ذکر این نکته ضروری است: ما از باب اختصار و إطاله کلام به ذکر این روایات اکتفا

کردیم امید است در فرصت دیگر، در بخش جداگانه، از کلمات گهربار ائمه معصومین علیهم السلام

در این باره استفاده نماییم.

تفسیر

اهداف ازدواج موقت در قرآن کریم

۱۷۱

## ۲-۳ - اجماع فقهاء شیعه:

دلیل سوم بر اثبات مشروعیت ازدواج موقت، اجماع و اتفاق فقهاء شیعه می باشند که در طول تاریخ، حتی یک نفر فقیه شیعه، بر خلاف آن فتوا نداده اند.

اجماع فقهاء شیعه بر مشروعیت ازدواج موقت به حدی است که جواز و حلیت آن از ضروریات مذهب شیعه شمرده شده است و بدون شک، اجماع فقهاء شیعه، ناشی از اجماع اهل بیت (علیهم السلام) بوده است که مشروعیت ازدواج موقت را احیای سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دانسته ضمن تأکید بر ترویج آن بقاء و استمرار مشروعیت ازدواج موقت را تا فرجام تاریخ و دامنہ ی قیامت اعلام نموده است.<sup>۸۱</sup>

چنانچه به منابع تفسیری، روایی و فقهی فقهاء شیعه مراجعه نماییم بخوبی روشن خواهد شد که، اجماع فقهاء شیعه بر مشروعیت ازدواج موقت به تبعیت و پیروی از اجماع اهل بیت (ع) می باشد.

مرحوم شهید ثانی (ره) در این باره می فرماید: «والنکاح المنقطع لا خلاف بین الإمامیة فی شرعیة مستمرّاً إلى الآن، أو لا خلاف بین المسلمین قاطبه فی اصل شرعیته وان اختلفوا بعد ذالک فی نسخه... و من المعلوم ضروره من مذهب علیّ و اولاده علیهم السلام حلّها وانکار تحریمها بالغایه...»<sup>۸۲</sup>

صاحب حدائق الناضرة درباره ی اجماع اهل بیت (ع) و شیعیان شان این چنین می فرماید:

«واجمع اهل البيت و شيعتهم على بقاء شرعيتها وانه لم ينسخ و وافقهم على ذلك جماعه من

الصحابه»<sup>۸۳</sup>

## ۳- ادعای حرمت ازدواج موقت

در بخش دوم با استدلال به قرآن مجید، روایات و اجماع فقهاء شیعه (اجماع اهل بیت علیهم السلام) مشروعیت ازدواج موقت را ثابت کردیم. در این بخش، دیدگاه کسانی را که ازدواج موقت را حلال ندانسته و ادعا دارند که مشروعیت آن نسخ و تحریم شده است را بررسی خواهیم نمود.

## ۳-۱ - ادله ای حرمت ازدواج موقت:

اهل سنت برای اثبات حرمت ازدواج موقت و نسخ آن به دلایل گوناگون و متعدّد، تمسک کرده اند. ما در اینجا ادله ای آنها را یکی پس از دیگری ذکر و بررسی می نماییم:

### ۳-۱-۱- تحریم خلیفه دوم:

اکثر دانشمندان علوم اسلامی عقیده دارند که ممنوعیت و جلوگیری از ازدواج موقت در مذهب اهل سنت، بر اساس نهی خلیفه دوم (عمر) صورت گرفته است. وی در جمع مسلمین، حکم معروف و تاریخی خود را صریحاً این چنین اعلام نمود:

«متعتان کانتا فی عهد رسول الله (ص) و انا انهی عنهما و اعاقب علیهما.»

دو متعه (متعه ای حج و ازدواج موقت) در زمان رسول خدا (ص) رواج داشته آنها را حرام می کنم و مرتکبانش را کیفر می دهم.<sup>۸۴</sup>

این جمله خلیفه و نهی از انجام ازدواج موقت که به تواتر به دست ما رسیده است حاکی از آن است که وی جواز ازدواج موقت و استمرار آن را از زمان رسول خدا (ص) تا زمان تحریم خود را قبول داشته و به آن اعتراف کرده است. زیرا در این حکم، تحریم را به خودش نسبت داده است...

« انا انهی عنهما و اعاقب علیهما.»

از این رو، خلیفه دوم، اولین کسی بوده که ازدواج موقت را تحریم نموده است و اهل سنت، نیز، با استناد به این حکم، ازدواج موقت را غیر مشروع و حرام می دانند. در حالی که گروه دیگری از آنان ادعا دارند که ازدواج موقت را پیامبر اکرم (ص) در اواخر عمر خویش ممنوع کرده بود و منع خلیفه، اعلام ممنوعیت آن از جانب رسول خدا (ص) بوده است.

ولی این ادعا صحیح نیست چون که اگر ازدواج موقت در زمان رسول خدا (ص) تحریم و حکم آن نسخ شده بود باید خلیفه دوم، تحریم را به حضرت پیامبر اکرم (ص) نسبت می داد.

### ۳-۱-۲- مخالفت صحابه و تابعین:

با اعلام تحریم متعه، از جانب خلیفه دوم و اصرار وی بر عملی شدن این حکم از همان آغاز، حکم مذکور، با مخالفت شدید اصحاب و یاران رسول خدا (ص) رو برو گردید. جمع کثیری از آنان تسلیم منع خلیفه نشده و هم چنان بر جواز و حلیت ازدواج موقت عقیده داشتند.

چنانچه قبلاً اشاره شد، گروه کثیری از علمای اهل سنت پذیرفته اند که ازدواج موقت در زمان رسول خدا (ص) و ایام خلافت خلیفه اول و چند سال از خلافت خلیفه دوم، مشروع بوده است و از حکم خلیفه، نیز این واقعیت دانسته می شود.

اما خلیفه، در اثر برخورد، با بعضی از جریانات موجود، دچار احساسات شد و با حکم معروف خود آن را تحریم نمود.<sup>۸۵</sup>

سیر

اهداف ازدواج موقت در قرآن مجید

با این وصف، جمعی از یاران پیامبر اکرم (ص) در رأس آنها حضرت علی (ع) رأی و حکم خلیفه را مورد اعتراض قرار داده و نپذیرفته اند ما در اینجا اسامی آنها را ذیلاً بر می شماریم: -

۱ - عبدالله بن عباس (پسر عموی پیامبر اکرم (ص) مفسر بزرگ قرآن مجید).

۲ - جابر بن عبدالله انصاری.

۳ - عبدالله بن مسعود.

در اکثر منابع معتبر اهل سنت گفته شده است که عبدالله بن عباس و ابن مسعود، آیه ۲۴ سوره ی نساء را «فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن فریضه و...» تلاوت می کرده اند<sup>۸۶</sup> و این گونه تلاوت را دلیل جواز ازدواج موقت می دانسته اند.

هم چنین از عبدالله بن مسعود روایت شده است که رسول خدا (ص) آیه ای:

«یا ایها الذین آمنوا لا تحرّموا طیّبات ما أحلّ الله لکم ولا تعتدوا إنّ الله لا یحبّ المعتدین»<sup>۸۷</sup> را برای

اثبات جواز ازدواج موقت تلاوت می نمود.

۴ - عمران بن حصین:

وی عقیده داشت که آیه ۲۴ سوره نساء درباره ازدواج موقت نازل شده و نسخ نشده است. این روایت از وی در اکثر منابع اهل سنت، نقل گردیده است که:

«إنّ الله أنزل فی المتعه آیه و ما نسخها بآیه و أمرنا رسول الله (ص) بالمتعه و ما نهانا عنه ثمّ قال رجل

برایه.»<sup>۸۸</sup>

۵ - عبدالله بن عمر: قبلاً حدیثی از وی درباره مشروعیت ازدواج موقت نقل کردیم.

۶ - ابو سعید خدری. ۷ - سلمه بن امیه بن خلف. ۸ - زبیر بن عوام. ۹ - معاویه بن ابی

سفیان. ۱۰ - سمیر. ۱۱ - خالد بن مخزومی. ۱۲ - عمرو بن حرث. ۱۳ - ابی بن کعب.

۱۴ - ربیع بن امیه. ۱۵ - سعید بن جبیر. ۱۶ - طاووس یمانی. ۱۷ - عطا ابو محمد یمانی. ۱۸ -

سدی دانشمند و مفسر و محدث اهل سنت. ۱۹ - مجاهد. ۲۰ - زفر بن اوس مدنی. ۲۱ -

ابن جریج. ۲۲ - ابو حیّان. ۲۳ - سرخسی. ۲۴ - مالک و...<sup>۸۹</sup>

شهید مطهری درباره منع خلیفه دوم از ازدواج موقت چنین می گوید:

... توجیه صحیح این مطلب همان است که علامه کاشف الغطاء بیان کرده است:

خلیفه، از آن جهت به خود حق داد این موضوع را قدغن کند، که تصوّر می کرد این مسأله در

حوزه اختیارات ولیّ امر مسلمین است. هر حاکم و ولی امری می تواند از اختیارات خود به حسب

مقتضای عصر و زمان خود در این گونه امور استفاده کند.

به عبارت دیگر: نهی خلیفه، نهی سیاسی بود، نه شرعی و قانونی.

طبق آنچه از تاریخ استفاده می شود، خلیفه در دوره زعامت، نگرانی خود را از پراکنده شدن صحابه در اقطار کشور تازه وسعت یافته اسلامی و اختلاط با ملل تازه مسلمانان پنهان نمی کرد و تا زنده بود مانع پراکنده شدن آنها از مدینه بود. به طریق اولی از امتزاج خونی آنها با تازه مسلمان، قبل از آنکه تربیت اسلامی عمیقاً در آنها اثر کند، ناراضی بود و آن را خطری برای نسل آینده به شمار می آورد و بدیهی است که این علت، امر موقتی بیش نبود و علت اینکه مسلمین آن وقت زیر بار این تحریم خلیفه رفتند این بود که فرمان خلیفه را به عنوان یک مصلحت سیاسی و موقتی تلقی کردند نه به عنوان یک قانون دائم والا ممکن بود خلیفه وقت بگوید پیغمبر(ص)، چنان دستور داده است و من چنین دستور می دهم و مردم هم سخن او را بپذیرند.

ولی بعدها در اثر جریانات بخصوصی سیره خلفای پیشین بالاخص دو خلیفه اول یک برنامه ثابت تلقی شد و کار تعصب به آنجا کشید که شکل یک قانون اصلی به خود گرفت. لذا ایرادی که بر برادران اهل سنت ما وارد است بیش از آن است که بر خود خلیفه وارد است. خلیفه به عنوان یک نهی سیاسی و موقت - نظیر تحریم تنباکو در قرن ما - نکاح منقطع را تحریم کرد و نمی بایست به آن شکل ابدیت بدهند.

بهر حال نفوذ و شخصیت خلیفه و تعصب مردم در پیروی از سیرت و روش کشور داری او سبب شد که این قانون در محاق نسیان و فراموشی قرار گیرد که مکمل ازدواج دائم است و تعطیل آن، ناراحتی ها را به وجود می آورد تا برای همیشه متروک بماند.

ایتنجا بود که ائمه اطهار علیهم السلام - که پاسداران دین مبین هستند - به خاطر اینکه این سنت اسلامی متروک و فراموش نشود آن را ترغیب و تشویق فراوان نمودند. امام جعفر صادق (ع) می فرمود: یکی از موضوعاتی که من هرگز در بیان آن تقیه نخواهم کرد موضوع متعه است.

و اینجا بود که یک مصلحت و حکمت ثانوی با حکمت اولی تشریح نکاح منقطع توأم شد و آن کوشش در احیاء یک سنت متروکه است.<sup>۹۰</sup>

### ۳-۲- دفاع از حکم خلیفه: (توجیه حکم خلیفه)

حکم تحریم ازدواج موقت توسط خلیفه دوم، عکس العملهایی را در جامعه اسلامی آن روز در پی داشت، برخی از یاران و اصحاب رسول خدا (ص) در مقابل این حکم، موضع مخالف اتخاذ کرده و آن را نپذیرفتند. این گروه افراد معروف و سرشناسی بوده و جمعیت قابل توجهی را تشکیل می دادند.

دسته دوم، سکوت اختیار کرده و حالت بیطرفی را ترجیح دادند.

دسته سوم، موافقان و طرفداران حکم خلیفه بوده اند و ازدواج موقت را غیر شرعی تلقی می کردند و در زمان های بعدی این گروه در قالب فقهای اهل سنت در آثار و کتب روایی، تفسیری و فقهی شان در صدر توجیه کنندگان حکم خلیفه بر آمدند و از آن دفاع کرده اند. ما در این قسمت، با نگاه گذرا، گفتار برخی از مدافعان حکم خلیفه را ذکر کرده و سپس پاسخ لازم را ارائه خواهیم نمود:

### ۳-۲-۱- گفتار فخر رازی:

فخر رازی در تفسیر کبیر می گوید: خلیفه دوم با این جمله خود: «متعتان کانتا فی عهد رسول الله (ص) و انا ائمتی عنهما و اعاقب علیهما» ازدواج موقت را حرام اعلام نمود و کسی این حکم را انکار نکرد. نهی خلیفه و عدم انکار مردم (و صحابه) از سه راه بیرون نیست:

۱ - همه صحابه (و مردم) علم به حرمت ازدواج موقت داشته ولی سکوت کرده اند.

۲ - همه آنها علم به مشروعیت ازدواج موقت داشته و از روی سازش با خلیفه، در برابر این حکم، اعتراض نکرده اند.

۳ - همه از مشروعیت یا عدم مشروعیت ازدواج موقت آگاه نبودند و با بیطرفی در این باره، ساکت مانده اند.

بنابر احتمال اول، عقیده و رأی ما ثابت می شود که ازدواج موقت، حرام است. اما بنابر احتمال دوم که سازش و عدم اعتراض اصحاب رسول خدا (ص) باشد این کار سبب کفر خلیفه و آنان می گردد. زیرا خلیفه با آگاهی از جواز ازدواج موقت در زمان پیامبر اکرم (ص) بدون اینکه این حکم از جانب خدا و یا پیامبر (ص) نسخ شده باشد، آن را حرام نموده است که باعث کفر خلیفه می شود و کسانی که سخن خلیفه را شنیده و تصدیق نموده اند نیز کافر شده اند و این امر سبب تکفیر امت پیامبر (ص) می شود و با گفتار خداوند متعال در قرآن کریم نمی سازد که فرمود: «کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر...»<sup>۹۱</sup>

احتمال سوم هم باطل است چون که اگر متعه، مثل ازدواج دائم، حلال می بود از موارد مهم زندگی و احتیاج مردم بود و امکان ندارد بر مردم پوشیده باشد و کسی درباره آن چیزی نداند.

« و لَمَّا بَطَلَ هَذَانِ الْقَسْمَانِ، ثَبِتَ أَنَّ الصَّحَابَةَ إِنَّمَا سَكَنُوا عَلَى الْإِنْكَارِ عَلَى عَمْرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ لِأَنَّهُمْ كَانُوا

عالمین بان المتعه، صارت منسوخه فی الإسلام.»

از این رو، با اثبات نادرستی احتمال دوم و سوم، صحت و درستی عمل خلیفه و منسوخ بودن حکم مشروعیت ازدواج موقت که پیامبر اکرم (ص) بیان فرموده بود، ثابت می گردد.<sup>۹۲</sup> -

### نقد شیخ طوسی بر استدلال فخر رازی:

شیخ طوسی (ره) استدلال فخر رازی را مورد نقد قرار داده این چنین می فرماید: شیوه گفتار خلیفه نشان می دهد که جواز ازدواج از جانب پیامبر اکرم (ص) نسخ نشده است. و اگر در زمان آن حضرت (ص) نسخ شده بود باید خلیفه، نسخ را به رسول خدا (ص) نسبت می داد نه اینکه بگوید: «أنا أنهى عنهما...» من آنرا حرام اعلام می کنم.<sup>۹۳</sup> از سوی دیگر، استدلال فخر رازی با مشکل اساسی دیگر روبرو است؛ زیرا در تحریم عمر، خلیفه دوم و سکوت یاران رسول خدا (ص) چهار احتمال وجود دارد.

احتمال چهارم این است که:

یاران پیامبر اکرم (ص) ازدواج موقت را چنان قطعی و تردید ناپذیر می دانستند که مطمئن بودند خلیفه در این اقدام خود، توفیق نمی یابد و هیچ واکنشی در برابر کردار وی ضرورت ندارد.<sup>۹۴</sup>

### ۳-۲-۲- گفتار رشید رضا:

صاحب المنار در تفسیر خود، مطالب متعددی درباره ازدواج موقت دارد اما در عین حال نا هماهنگ.

وی در بخشی از مطالب خود، قول خلیفه دوم را توجیه و تأویل کرده می گوید:

تحریم و جلوگیری عمر از متعه، از جانب خود نبوده است و حتماً روایتی و سخنی از پیامبر (ص) در حرمت آن شنیده بوده است و اگر این مطلب ثابت شود که وی ازدواج موقت را تحریم کرده و به خود، نسبت داده، منظور وی این بوده که تحریم اول را او بیان کرده و یا به مورد اجرا گذاشته است نه اینکه تشریح کرده باشد.<sup>۹۵</sup>

در جای دیگر می گوید: ما در جلد سوم و چهارم مجله المنار در سابق تصریح کرده بودیم که عمر از متعه، نهی و جلوگیری کرده است ولی بعداً به اخباری دست یافتیم که نشان می دهد در زمان

پیامبر (ص) نسخ شده است نه در زمان عمر، لذا گفته سابق خود را اصلاح و از آن استغفار می کنم.  
۹۶

### نقد آیت الله خوئی (ره):

آیت الله خوئی (ره) در پاسخ رشید رضا می گوید: این تأویل در کلام خلیفه صحیح نیست، زیرا تحریم خلیفه از سه حالت بیرون نخواهد بود:

۱ - تحریم خلیفه از روی اجتهاد، بر خلاف گفتار رسول خدا (ص) باشد.

۲ - با اجتهاد خود، حکم تحریم متعه را از قول رسول خدا (ص) استنباط کرده باشد.

۳ - نقل روایت از پیامبر اکرم (ص) بر تحریم متعه کرده است.

تفسیر

اما صورت اخیر که در واقع، نقل روایت تحریم متعه، از پیامبر (ص) باشد با ظاهر کلام وی سازگاری ندارد. «...وَأَنَا أَنهَى عَنْهُمَا وَعَاقِبَ عَلَيْهِمَا» و از طرفی با تمام روایات دیگر معارض است که دلالت بر مشروعیت این ازدواج از زمان رسول خدا (ص) تا دوران خلافت عمر دارد وی این ازدواج را تحریم کرد.

اما صورت دوم: که تحریم خلیفه، استنباط حرمت از گفتار رسول خدا (ص) باشد نیز صحیح نیست. اولاً: با شهادت و گفتار گروه کثیری از اصحاب رسول خدا (ص) که مباح بودن متعه را تا زمان رحلت رسول خدا (ص) تأیید می کند، سازش ندارد.

ثانیاً: با گفتار خود خلیفه نمی سازد که گفته است: در زمان رسول خدا (ص) دو متعه وجود داشت که من آنها را حرام می نمایم. از این گفته خلیفه استفاده می شود که:

تحریم متعه هیچ ارتباطی با رسول خدا (ص) ندارد، نه به عنوان نقل روایت از وی و نه به عنوان اجتهاد و استنباط از گفتار وی.

از این رو صورت اول باقی می ماند که همان تحریم ابتدایی، اجتهاد و اظهار رأی در مقابل قرآن و پیامبر (ص) است و این گونه اجتهاد، اجتهاد در مقابل نص و مخالف با قرآن و پیامبر (ص) می باشد و نمی تواند قابل قبول باشد.

و بر این اساس است که مسلمانان (اهل سنت) در تحریم متعه حج و ثبوت حد در ازدواج موقت از خلیفه دوم پیروی نکرده و اجتهاد و رأی او را در این حکم نادیده گرفته اند.<sup>۹۷</sup>

### ۳-۲-۳- گفتار موسی جار الله:

موسی جارالله محقق و نویسنده دیگر اهل سنت است که از زاویه دیگر از عمل خلیفه دفاع کرده است و ازدواج موقت را یک امر جاهلی دانسته می نویسد:

ازدواج موقت امر اسلامی نیست. این نوع ازدواج در عصر جاهلیت رواج داشته و مسلمانان بر حرمتش اجماع کرده اند. آنچه در اسلام به این نام مشاهده می شود از ساخته های شیعیان است، آنها با استناد به آیه ۲۴ سوره نساء، و روایت های گوناگونی که سلسله اسنادشان، سر انجام به امام صادق و امام محمد باقر علیهما السلام می رسد، بدین نظر گرایش یافته اند.

در این ادعای شیعیان دو احتمال وجود دارد و احتمالی که قابل اعتماد می نماید، ساختگی بودن سند این روایت هاست.<sup>۹۸</sup>

### پاسخ علامه امینی (ره):

دانشمند بزرگ اسلام در پاسخ به سخنان جارالله، مطالب وی را ناشی از آگاهی و تعصب وی - دانسته می گوید:

اینکه جارالله می نویسد در هیچ آیه ای از قرآن نشانه ای از ازدواج موقت دیده نمی شود چگونه قابل توجیه است؟ در حالی که آیه ۲۴ سوره نساء «فما استمتعتم به منهن فاتوهن أجورهن...» به اعتقاد شخصیت های معتبر اهل سنت درباره ازدواج موقت سخن می گوید.

در اینجا بخشی از منابع اهل سنت که آیه ۲۴ سوره نساء را درباره ازدواج موقت دانسته است ذیلاً ذکر می شود:

- ۱ - صحیح مسلم، ۲ - صحیح بخاری، ۳ - مسند احمد ج ۴، ص ۴۳۶
- در این سه کتاب با سندهایشان از عمران بن حصین روایت نقل کرده اند.
- ۴ - تفسیر طبری: ج ۵، ص ۹: در این کتاب از ابن عباس، ابی بن کعب، سعید بن جبیر، مجاهد، قتاده، شعبه و ابی بن ثابت مطالبی نقل شده است.
- ۵ - احکام القرآن: جصاص، نویسنده این کتاب در ج ۲، ص ۱۴۶ از افراد گوناگون سخنانی باز گفته است.
- ۶ - سنن بیهقی: در جلد هفتم کتاب خود از ابن عباس روایتی نقل کرده است.
- ۷ - تفسیر نبوی: ج ۱، ص ۳۲۳ می گوید: علماء آیه ۲۴ سوره نساء را درباره ازدواج موقت منسوخ می دانند.
- ۸ - تفسیر زمخشری: ج ۱، ص ۴۸۹.
- ۹ - احکام القرآن: قاضی نویسنده این کتاب در جلد اول از دانشمندان بسیاری نقل کرده است که آیه ۲۴ سوره نساء درباره ازدواج موقت است.
- ۱۰ - تفسیر قرطبی: نویسنده آن می گوید: فتوا و آراء بیشتر مسلمانها آن است که آیه ۲۴ سوره نساء درباره ازدواج موقت است.

- ۱۱ - تفسیر کبیر: فخر رازی در ج ۱۰، ص ۴۹ نقل می کند که صحیح بخاری و صحیح مسلم آیه ۲۴ را درباره ازدواج موقت دانسته و روایت عمران بن حصین را نقل کرده اند.
- ۱۲ - شرح صحیح مسلم: نووی از ابن مسعود نقل می کند، که آیه ۲۴ سوره نساء درباره ازدواج موقت می باشد.
- ۱۳ - تفسیر الخازن: در این کتاب آمده است، که جمهور علماء به نسخ آیه ۲۴ سوره نساء (ازدواج موقت) اعتقاد دارند.
- ۱۴ - تفسیر البحر المحیط: ابو حیّان، ج ۳، ص ۲۲۵.
- ۱۵ - تفسیر القرآن الکریم ابن کثیر: ج ۱، ص ۴۰۸.
- ۱۶ - الدر المنثور: سیوطی ج ۲، ص ۱۳۹.
- و... در هر یک از منابع و کتب یاد شده مطالبی را درباره آیه ۲۴ سوره نساء بیان کرده اند که درباره ازدواج موقت می باشد.<sup>۹۹</sup>
- در پایان علامه امینی برای آن که ثابت کند که ازدواج موقت بخشی از آیین اسلام است کتاب هایی را که حدود و احکام ازدواج موقت را بررسی کرده اند در حدود ۱۳ کتاب از منابع مهم و معتبر اهل سنت ذکر کرده است.<sup>۱۰۰</sup>

### ۳-۳- روایات تحریم:

دلیل دوم که برای حرمت ازدواج موقت به آن استناد شده است روایات است. اهل سنت بر اساس روایاتی که در منابعشان ذکر شده است عقیده دارند که حرمت و مشروعیت ازدواج موقت توسط حضرت پیامبر اکرم (ص) تحریم شده است.

از مجموع روایاتی که اهل سنت، حرمت این ازدواج را از آن ها استفاده کرده اند بر اساس یک جمع بندی، در کتب صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داوود، نسائی و الدر المنثور، بالغ بر ۲۵ روایت است<sup>۱۰۱</sup> و در کتاب صحیح بخاری دو روایت را به حضرت علی (ع) نسبت داده است.<sup>۱۰۲</sup>

ما در این جا از باب نمونه، به ذکر سه روایت از روایاتی که بر حرمت ازدواج موقت استفاده شده است اکتفا می کنیم:

- ۱ - «عن عبدالله والحسن بن محمد بن علی عن ابیهما علی (ع) ان الرسول (ص) نهی عن متعه النساء و عن اكل لحوم الحمر الانسیه.»<sup>۱۰۳</sup>

۲ - « روى الربيع بن سبره الجهنى عن ابيه قال: غدوت على رسول الله (ص) فإذا هو قائم بين الركن و المقام مسند ظهره الى الكعبة يقول: يا أيها الناس إنى أمرتكم بالإستمتاع من هذا النساء ألا وإن الله قد حرّم عليكم إلى يوم القيامة فمن كان عنده شئ فليخل سبيلها.»<sup>۱۰۴</sup>

۳ - «عن ایاس بن سلمه بن الأکوع قال: رخص رسول الله (ص) عام او طاس فى المتعه ثلاثاً ثم نهى عنها.»<sup>۱۰۵</sup>

بدین ترتیب در اکثر منابع اهل سنت، از روایات فوق الذکر، برای حرمت ازدواج موقت استفاده کرده اند. و در بین روایات دال بر حرمت متعه، در حدود ۱۴ روایت از سبره جهنی و ۶ روایت از علی (ع) و از هر یک از سلمه، ابن عباس، سعید بن مسیب، ابن مسعود، عمر و حسن بصری، یک روایت نقل شده است.<sup>۱۰۶</sup>

### پاسخ از روایات تحریم:

اثبات حرمت ازدواج موقت، با استناد به این روایات صحیح نیست زیرا:  
اولاً: بر فرضی که روایات دال بر تحریم را بپذیریم اخبار واحد است و با خبر واحد، حکم شرعی ثابت نمی شود.<sup>۱۰۷</sup>

ثانیاً: روایاتی که بر حرمت ازدواج موقت ادعا شده است، از نظر اصحاب حدیث قابل پذیرش نیست، چون که راویان این احادیث، توثیق نشده اند. بنابراین روایات یاد شده از دایره حجیت خارج می گردند.<sup>۱۰۸</sup>

ثالثاً: روایات حرمت، معارض با روایات فراوان (در حد تواتر) دیگر می باشند که دلالت بر استمرار اباحه ازدواج موقت دارند و اصحاب، نیز به این روایات عمل کرده اند. چنانچه از نهی کردن خلیفه، فهمیده می شود که مردم به مشروعیت ازدواج موقت عمل می نمودند.<sup>۱۰۹</sup>

... علاوه بر امور یاد شده، روایات مورد ادعا، دارای اضطراب است<sup>۱۱۰</sup> چنانچه به این روایات، مراجعه گردد اضطراب شدید در متن آنها روشن خواهد شد و با این وصف، حجیت آنها بر اثبات حرمت ازدواج موقت، قابل پذیرش نمی باشد.

### ۳-۴- اجماع صحابه بر تحریم ازدواج موقت:

یکی از دلیل‌هایی که اهل سنت بر حرمت ازدواج موقت به آن استدلال نموده اند ادعای اجماع صحابه بر حرمت آن می باشد.

به این معنی که پس از آن که خلیفه متعه را تحریم نمود، تمام صحابه و تابعین تسلیم ممنوعیت آن شدند. و تنها کسی که مخالف بود، ابن عباس بود که وی هم در آخر عمرش از این عقیده توبه کرده و حرمت آن را پذیرفته است. لذا اجماع اصحاب بر حرمت ازدواج موقت، منعقد شده است.

جصاص در این باره می گوید:

«بل الإجماع منعقد علی التحريم... ألا تری ان النکاح لما کان مباحاً لم یختلف فی اباحتہ و معلوم ان بلواهم بالمتعه لو کانت مباحه کبلواهم بالنکاح... و لا نعلم احداً من الصحابه روی عنه تجرید القول فی اباحتہ المتعه غیر ابن عباس و قد رجح عنه استقر عنده تحریمها بتواتر الاخبار من جهه الصحابه.»<sup>۱۱۱</sup>

### نقد اجماع صحابه:

در سابق این نکته، بیان شد که پس از حکم معروف خلیفه درباره ازدواج موقت، گروهی از شخصیت‌های معروف و نامدار صحابه و تابعین، این حکم را رد نموده و نپذیرفته اند و بدون شک، با مخالفت آنها و صدور فتوا بر مشروعیت ازدواج موقت، اجماعی وجود ندارد.<sup>۱۱۲</sup>

شیخ طوسی در این باره می گوید:

«الذی یدل علی اباحتہ المتعه، اجماع المسلمین علی ان النبی (ص) کان قد اباحتها فی وقت ولم یقم دلیل قاطع علی حظره لها بعد ذلك، فینبغی أن تكون مباحه علی ما کانت حتی یقوم دلیل ولا دلیل فی الشرع یدل علی ذلك.»<sup>۱۱۳</sup>

صاحب جواهر در رد ادعای اجماع این چنین می گوید:

در مسأله اجماعی بر منع نداریم؛ زیرا اتفاق اهل بیت (ع) بر بقای جواز است و اجماع شیعه و پیروان اهل بیت، نیز بر مشروعیت ازدواج موقت است و علاوه بر آن جمع زیادی از بزرگان و شخصیت‌های معروف صحابه و تابعین تسلیم حکم خلیفه نشده اند وی اسامی سی نفر از این اشخاص را ذکر می کند و هم چنین از فقهای اهل سنت، امام حنبل را در ردیف افرادی می داند که ازدواج موقت را حلال می دانست.<sup>۱۱۴</sup>

و ما اسامی صحابه و تابعین را که با حکم خلیفه مخالفت نموده اند در بحث مخالفت صحابه و تابعین قبلاً ذکر نمودیم.

آیت الله خوئی (ره) بر رد اجماع مذکور می نویسد:

در مسأله تجریم-متعّه، اجماعی وجود ندارد و اساساً نمی تواند اجماع وجود داشته باشد. زیرا چگونه می توان به تحریم متعه ادعای اجماع نمود در حالی که عده زیادی از اصحاب رسول خدا (ص) و مسلمانان دوران بعد با این تحریم مخالف بودند و مخصوصاً گفتار این عده مخالفان، با قول اهل بیت رسول خدا (ص) موافق بوده است، اهل بیتهی که خداوند آنان را از هرگونه زشتی و پلییدی دور نموده و پاکیزه نگه داشته است.

بنابراین در تحریم متعه، علتی جز تحریم خلیفه باقی نمی ماند، و روشن است که قرآن مجید و سنت پیامبر (ص) به پیروی کردن شایسته تر و لازم تر از این است که از دیگران پیروی شود.<sup>۱۱۵</sup>

### ۳-۵- نسخ ازدواج موقت به آیات قرآن:

دلیل چهارم اهل سنت بر حرمت ازدواج موقت این است که، این ازدواج توسط برخی از آیات قرآن نسخ شده است.

ما در این جا آن دسته ای از آیات قرآن را که اهل سنت در متابع شان ادعا کرده اند که ازدواج موقت را نسخ کرده است ذیلاً بر می شماریم:

#### ۳-۵-۱ - نسخ ازدواج موقت به آیه طلاق:

خداوند متعال در آیه اول سوره طلاق می فرماید:

«یا ایها النبی إذا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لَعَدْتُهُنَّ»:

(ای پیامبر ص) هر گاه زنان را طلاق دادید قانون عده را در آن رعایت کنید.

از ابن عباس نقل شده است: که این آیه ازدواج موقت را نسخ کرده است.<sup>۱۱۶</sup>

#### پاسخ آیت الله خوئی (ره):

مرحوم آیت الله خوئی (ره) می فرماید: این ادعا صحیح نیست زیرا:

اولاً: این نسبت به ابن عباس دروغ است و واقعیت ندارد چون که ابن عباس از طرفداران سرسخت ازدواج موقت بوده و در دوران زندگی خود به جواز این نوع ازدواج اصرار داشت؛ لذا این نسبت واقعیت ندارد.

ثانیاً: اگر اشکال این است که در این آیه برای زنان مطلقه، عده واجب گردیده است به این دلیل است که دوران عده ازدواج موقت، کوتاه تر از دوران عده طلاق است و این دو با هم سازش ندارند، لذا باید گفت که حکم متعه، با آیه طلاق نسخ گردیده است. جواب ما این است که این آیه و سایر آیات بر یکنواخت بودن عده های زنان دلالت ندارد و اصلاً دلیلی وجود ندارد که اگر دوران عده ازدواجی کمتر از دوران عده های دیگر باشد دلیل نسخ آن ازدواج گردد.

اگر بگویید که در این آیه، برای زنان حکم طلاق تشریح شده است در صورتی که در ازدواج موقت، طلاق وجود ندارد، لذا آیه مذکور، حکم ازدواج را نسخ کرده است.

جواب می دهیم گر چه طلاق در این آیه آمده است ولی در این آیه به موارد طلاق متعرض نگردیده است، تا نبودن طلاق در یک نوع ازدواج (ازدواج موقت) دلیل نسخ آن باشد.<sup>۱۱۷</sup>

از طرفی صاحب المنار می گویند: شیعه در نکاح موقت (متعه) اصلاً قایل به عده نمی باشد.<sup>۱۱۸</sup> در حالی که این ادعا کذب است و بر اساس روایات اهل بیت (علیهم السلام) اگر زن، عادت می شود یک حیض کامل و در غیر آن صورت ۴۵ روز عده نگه دارد و ما قبلاً در این زمینه نظر فقهاء شیعه را بیان کردیم.

### ۳-۵-۲- نسخ ازدواج موقت به آیه میراث:

اهل سنت بر اثبات نسخ ازدواج موقت به آیه میراث این گونه استدلال کرده اند:

خداوند متعال در سوره نساء آیه ۱۲ می فرماید: «ولکم نصف ما ترک ازواجکم...» از آنجایی که در این آیه در میان زن و شوهر، حق توارث را ثابت می کند و زن موقت، از همسرش ارث نمی برد و همسرش از او ارث نمی برد لذا آیه ارث، حکم آیه متعه را نسخ کرده است.<sup>۱۱۹</sup>

### پاسخ از ادعای نسخ به آیه میراث:

آیت الله خوئی (ره) در این باره می فرماید:

ادله نفی توارث در ازدواج موقت، مختص آیه ارث است و هیچ دلیل و سند نداریم که زوجیت و همسری بطور مطلق و بهر شکل، مستلزم توارث در میان زوجین باشد، زیرا مواردی وجود دارد که از نظر اسلام در آن موارد، زن و شوهر، از یکدیگر ارث نمی برند و هیچ مانعی ندارد که ازدواج موقت، یکی از آن موارد باشد.

مثلاً اگر یکی از زن و مرد، کافر یا قاتل باشد، نمی تواند از همسر مسلمان یا مقتول خود ارث ببرد.

آخرین نتیجه از این آیه، این است که توارث در میان همسران، اختصاص به ازدواج دائم دارد. اما این کجا و موضوع نسخ کجا؟<sup>۱۲۰</sup>

### ۳-۵-۳- نسخ ازدواج موقت به آیات سوره مومنون:

بعضی از فقهاء اهل سنت ادعا کرده اند که، ازدواج موقت به آیات ۵ تا ۷ سوره مومنون، تحریم و نسخ شده است به این بیان که:

خداوند متعال می فرماید: «والذین هم لفروجهم حافظون، إلا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فإنهم غیر ملومین، فمن ابتغى وراء ذلك فأولئك هم العادون.»  
خداوند بزرگ در این آیه، جواز مباشرت با زنها را از طریق نکاح و ملک یمین تعیین کرده است و خارج از این دو طریق، مباشرت با زنان مشروع نیست.  
از این رو ازدواج موقت، نه نکاح است و نه ملک یمین، و بر اساس این آیات شریفه، ازدواج موقت نسخ شده و حرام اعلام گردیده است.<sup>۱۲۱</sup>

### پاسخ آیت الله خوئی (ره):

آیت الله خوئی (ره) در پاسخ می فرماید: این ادعا بی اساس است، زیرا: ازدواج موقت، مثل ازدواج دائم و همسر موقت، مثل همسر دائمی است و ازدواج موقت با وجوب حفظ فروج از غیر همسران منافات ندارد، لذا جایی که برای این ایراد و اشکال باقی نمی ماند.<sup>۱۲۲</sup>  
هم چنین شیخ طوسی (ره) به این ایراد بر ازدواج موقت پاسخ داده می نویسد:  
ما می گوئیم که همسر موقت، زوجه شرعی است و ضرورت ندارد که تمام احکام زوجیت، مثل میراث و طلاق و... بر آن مترتب گردد.  
چون که احکام و آثار زوجیت، مختلف است به عنوان مثال: اگر زنی و مردی مرتد شوند بدون طلاق از همدیگر جدا می شوند و زن کتابیه (و یا قاتل) از شوهر خود ارث نمی برد.<sup>۱۲۳</sup>  
بنابراین باید گفت که: هیچ یک از آیات قرآن، مشروعیت ازدواج موقت را تحریم و یا نسخ نکرده است و ادعای نسخ آن با آیات قرآن، پنداری بیش نخواهد بود.

تفسیر

اهداف ازدواج موقت در قرآن کریم

۱۹۰

## ۶- نظر برگزیده:

از مجموع مباحث گذشته و بررسی ادله موجود، درباره مشروعیت و عدم مشروعیت ازدواج موقت، می توان این نتیجه را بدست آورد که: ازدواج موقت، نسخ نگردیده و حکم آن تاکنون ثابت و پایرجاست. به عبارت دیگر ازدواج موقت، همان طوری که در زمان رسول خدا (ص) حلال و مشروع بود تاکنون حکم آن باقی است و تا قیامت، مشروعیت آن ادامه خواهد داشت. برای اثبات مشروعیت ازدواج موقت به عنوان یک حکم ثابت و ماندگار در اسلام در یک جمع بندی، می توان به دلایل زیر استناد نمود:

### ۶-۱ - قرآن مجید:

از آیات شریفه قرآن مجید، آیه ۲۴، سوره نساء، به صراحت، دلالت بر مشروعیت ازدواج موقت دارد و ما در بحث گذشته نحوه استدلال به آیه مبارکه را توضیح دادیم و همچنین آیات دیگر که برای مشروعیت نکاح دائم به آنها استناد می گردد. برای مشروعیت ازدواج موقت هم به آنها استدلال می شود، زیرا ازدواج موقت از اقسام ازدواج در اسلام می باشد و ما در اول بحث به آنها اشاره نمودیم.

### ۶-۲ - اجماع اهل بیت علیهم السلام:

اهل بیت علیهم السلام که خود به اسرار وحی از همه آگاه تر بوده اند و خداوند متعال آنان را از هرگونه زشتی و پلیدی، دروغ و اشتباه منزّه ساخته است بالاتفاق آیه ی ۲۴، سوره ی نساء را به ازدواج موقت تفسیر کرده اند. و در عین حال، مشروعیت این ازدواج از نظر ائمه معصومین (ع) احیای سنت پیامبر اکرم (ص) دانسته شده و تا قیامت، مباح و حلال اعلام گردیده است.<sup>۱۲۴</sup>

### ۶-۳ - اجماع فقهاء شیعه:

فقهاء و دانشمندان بزرگ شیعه در ادوار مختلف تاریخ، بر مباح بودن ازدواج موقت اتفاق داشته اند و حتی یک نفر فقیه، فتوای خلاف در این باره نداده است. اتفاق فقهای شیعه، بر مشروعیت ازدواج موقت به حدی است که اباحه و جواز ازدواج موقت از ضرورت مذهب شیعه می باشد.<sup>۱۲۵</sup>

۶-۴ - روایات:

روایات وارده از اهل بیت علیهم السلام درباره مشروعیت ازدواج موقت در حد تواتر می باشد و ما روایاتی را در این زمینه قبلاً ذکر نمودیم. اهمیت و جایگاه ازدواج موقت در روایات ائمه معصومین (ع) آن چنان فوق العاده و مهم است که در حدیثی از امام صادق (ع) ازدواج موقت را از نشانه های شیعه بودن دانسته می فرماید:

« لیس منا من لم یومن بکرتنا و لم یتحل متعتنا »

( کسی که به رجعت ما ایمان نداشته باشد و ازدواج موقت را که ما حلال می دانیم حلال نداند از ما نیست. )<sup>۱۲۶</sup>

علاوه بر آن روایات فراوانی از اهل سنت، نیز بر حلال بودن ازدواج موقت، دلالت دارد.<sup>۱۲۷</sup>

۶-۵ - حکم عقل:

بنابر مقتضای دلیل، هر منفعتی که در حال حاضر یا در آینده، ضرر نداشته باشد به ضرورت حکم عقل، مباح و حلال است و ازدواج موقت، این حکم را دارد.<sup>۱۲۸</sup>

۶-۶ - اصل اباحه:

مباح بودن ازدواج موقت، مقتضای اصل است و ممنوع بودن آن، ضرورت به ارائه دلیل روشن و متقن دارد و چنین دلیلی ثابت نشده است.<sup>۱۲۹</sup>

۶-۷ - اعتراف خلیفه دوم:

خلیفه دوم در حکم معروف خود، در جمع مردم اعلام نمود:

« متعتان کانتا فی عهد رسول الله (ص) أنا أنهی عنهما و اعاقب علیهما »

این جمله بیانگر مشروعیت ازدواج موقت در زمان رسول خدا (ص) بوده و بی تردید هر چه در زمان پیامبر اکرم (ص) انجام می شد بخشی از دین مبین اسلام شمرده می شود.<sup>۱۳۰</sup>

## پی نوشتها:

۱. وسایل الشیعه ج ۱۴، ابواب مقدمات النکاح، ح ۴، تهران ۱۴۰۲ ق
۲. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ابواب مقدمات النکاح، ص ۵، ح ۱۰.
۳. جواهر الکلام، فی شرح شرایع الإسلام، شیخ محمد حسن نجفی، ج ۲۹، ص ۱۲، تهران ۱۳۹۵ ق.
۴. موج تنها، کند و کاوهای پیرامون ازدواج موقت، محمود ارگانی بیهانی، قم ۱۳۸۰، ص ۱۲۳.
۵. وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۴۳۹، ح ۱۸.
۶. خیمه عفاف، بحث های تحلیلی درباره ی ازدواج موقت، حسین کریمی، ص ۲۷، قم ۱۳۷۸
۷. قاموس قرآن، سید علی اکبر قریشی، ج ۶، ص ۲۲۷، تهران ۱۳۸۴
۸. النهایه. ابن اثیر، ج ۴، باب المیم، ص ۲۹۲، قم ۱۳۶۴.
۹. مفردات، راغب اصفهانی، کتاب المیم، ص ۴۶۱.
۱۰. کتاب التیستان، معجم لغوی مطول، العلامة الشیخ عبدالله البستانی، بیروت چاپ اول ۱۹۹۲ م
۱۱. أقرب الموارد، فی فصح العربیه و الشوارد، سعید الخوری، الشرتونی اللبانی، قم ۱۴۰۳ هـ
۱۲. تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۱۰، ص ۵۰.
۱۳. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۳، ص ۲۹۱، باب المتعه.
۱۴. فروع کافی، شیخ کلینی، ج ۳، ص ۴۴۵، ابواب المتعه.
۱۵. رساله متعه (ازدواج موقت)، شیخ مفید، ص ۱۶ به بعد.
۱۶. کتاب الخلاف فی الفقه، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۱۷۹، باب المتعه.
۱۷. شرح لمعه، ج ۲، ص ۸۶، فصل فی النکاح المتعه.
۱۸. ارشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان، علامه حلی، ج ۲، ص ۱۰، کتاب المتعه.
۱۹. کتاب المتاجر، شرح إرشاد، شیخ أنصاری، ج ۲، ص ۲۹۸، باب المتعه.
۲۰. شرح لمعه، ج ۲، ص ۸۶، هو النکاح المنقطع.
۲۱. شرائع الإسلام، محقق حلی، ج ۲، ص ۳۰۲، فی النکاح المنقطع.

تفسیر

اهداف ازدواج موقت در قرآن کریم

۱۹۵

۲۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۴، ص ۴۴۶ احادیث ۲، ۲، ازدواج موقت خانم ساچیگو موراتا، ص ۱۵، ۱۳.

تهران ۱۳۸۵

۲۳. الفقه علی المذاهب الأربعة، عبد الرحمن الجزیری، ج ۴، ص ۹۰.

۲۴. الغدير، علامه ی امینی، ج ۶، ص ۲۲۷، بیروت ۱۳۸۷ق.

۲۵. همان مدرک، ج ۶، ص ۲۲۶، ۲۳۸ و ج ۳، ص ۳۲۹، ۳۳۳.

۲۶. تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۱۰، ص ۵۳، چاپ دوم تهران.

۲۷. الغدير، ج ۶، ص ۲۲۹، ۲۳۸، ج ۳، ص ۳۳۲.

۲۸. ازدواج موقت، نیاز امروز، ص ۱۱۱، به نقل از وافى، فیض کاشانی، ج ۲۱، ص ۵۴

۲۹. جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۵۴

۳۰. جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۵۵

۳۱. متنعه، شیخ مفید، ص ۷۶

۳۲. انتصار، سید مرتضی، ص ۱۱۷

۳۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۶ و ۷، احادیث ۲، ص ۴۵۱، ۴۵۲؛ ازدواج موقت، نیاز امروز، ص ۱۱۴

۳۴. جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۶۲

۳۵. همان مدرک، ج ۳۰، ص ۱۶۲ و ۱۶۳

۳۶. جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۷۲

۳۷. ازدواج موقت، نیاز امروز، عباس عباس زاده، ص ۱۴۷، ۱۵۲

۳۸. رساله ی متعه (ازدواج موقت) شیخ مفید، ص ۵۰

۳۹. همان، ص ۵۰ - ۵۲

۴۰. تفسیر الحیزان، علامه طباطبائی، ج ۴، ص ۴۳۲، ترجمه سید باقر موسوی همدانی، قم ۱۳۷۳

۴۱. سوره نساء، آیه ۲۵

۴۲. سوره نساء، آیه ۲۳

۴۳. سوره نساء، آیه ۲۳

۴۴. الانتصار، سید مرتضی علم الهدی، ص ۱۰۹، تهران، موج تنها، کندوکاوی درباره ی ازدواج موقت

محمود ارگانی بهبهانی، قم، ۱۳۸۰، ص ۴۹-۵۰

مفسر

اهداف ازدواج موقت در قرآن کریم

۱۹.

۴۵. سوره نساء ، آیه ۲۲

۴۶. موج تنها ، کندوکاوی درباره ی ازدواج موقت ، ص ۵۳

۴۷. شرح صحیح مسلم، یحیی بن شریف النووی، ج ۲، ص ۴۵۸، احکام القرآن جصاص، ج ۲، ص ۱۵۱،

۴۸. تفسیر الدر المنثور سیوطی، ج ۲، ص ۱۴؛ الغدیر، ج ۶ ص ۲۲؛ ۲۲۱، البیان فی تفسیر القرآن آیت ... خوبی،  
ص ۳۱۸

۴۹. موج تنها، کندوکاوی درباره ی ازدواج موقت، ص ۵۵، ۵۹.

۵۰. بحار الأنوار، مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۲۹۷.

۵۱. الدر المنثور، جلال الدین سیوطی، ج ۲، ص ۱۴۱، ۱۳۹، چاپ بیروت.

۵۲. شرح صحیح مسلم، یحیی بن شرف النووی، ج ۳، ص ۵۲۶، ۵۲۷، چاپ بیروت.

۵۳. الغدیر، ج ۶ ص ۲۴۰، ۲۰۵، چاپ بیروت.

۵۴. شرح صحیح مسلم، ابی زکریا یحیی بن شرف النووی، ج ۳، ص ۵۳۰، ۵۲۷، بیروت ۱۴۲۵ق؛ الدر المنثور،  
ج ۲، ص ۱۴۰، احکام القرآن جصاص، ج ۲، ص ۱۴۶؛ ارشاد الساری لشرح صحیح البخاری، ابوالعباس، احمدین  
محمد قسطلانی، ج ۶، ص ۱۱۸؛ تفسیر ابو حیان، ج ۳، ص ۲۲۶.

۵۵. شرح صحیح مسلم، ابی زکریا یحیی بن شرف النووی، ج ۳، ص ۵۳۰، ۵۲۷، بیروت ۱۴۲۵ق؛ الدر المنثور،  
ج ۲، ص ۱۴۰، احکام القرآن جصاص، ج ۲، ص ۱۴۶؛ ارشاد الساری لشرح صحیح البخاری، ابوالعباس، احمدین  
محمد قسطلانی، ج ۶، ص ۱۱۸؛ تفسیر ابو حیان، ج ۳، ص ۲۲۶.

۵۶. همان مدرک، ج ۳، ص ۵۳۰؛ ارشاد الساری لشرح صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۲۳.

۵۷. همان مدرک، ج ۳، ص ۵۳۰

۵۸. همان مدرک، ج ۳، ص ۵۳۱؛ الغدیر، ج ۶، ص ۲۰۸؛ بدایه المجتهد، ابن رشد، ج ۲، ص ۹۴.

۵۹. همان مدرک، ج ۳، ص ۴۵۹؛ الغدیر، ج ۶، ص ۲۰۸؛ بدایه المجتهد ابن رشد، ج ۲، ص ۹۴

۶۰. تفسیر کبیر، فخر رازی، ج ۱۰، ص ۵۳؛ تفسیر البحر المحیط ابو حیان، ج ۳، ص ۲۲۶

۶۱. احکام القرآن جصاص، ج ۲، ص ۱۴۷؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۴۱؛ الجامع القرآن قرطبی، ج ۳، ص ۱۳۰؛ بدایه  
المجتهد ابن رشد، ج ۲، ص ۹۴.

۶۲. الغدیر، ج ۶، ص ۲۲۱؛ به نقل از امام احمد حنبل، مسند، ج ۲، ص ۹۵.

۶۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۹۶، ۴۳۶ ابواب المتعه، تهران ۱۴۰۳ ه.ق.

تفسیر

اهداف ازدواج موقت در قرآن کریم

۱۹۷

٦٤. فروع كافي، ثقة الإسلام، محمد بن يعقوب الكليني ج ٣، ص ٤٥٥، ٤٧٤، بيروت ١٤١٣ هـ.ق.
٦٥. مستدرک الوسائل، ميرزا حسين، النوري الطبرسي، ج ١٤، كتاب النكاح، ص ٤٤٧، ٤٨٦، قم ١٤٠٧ هـ.ق.
٦٦. بحار الأنوار، مجلسي، ج ١٠٠، ص ٢٩٧، ٣٢٠، بيروت ١٤٠٣ هـ.ق.
٦٧. من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، ج ٣، ص ٢٩١، ٢٩٨.
٦٨. تهذيب الأحكام، شيخ طوسي، ج ٧، ص ٢٤٨، ٢٧٢.
٦٩. من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٢٩١، ح ١؛ وسایل الشيعه، ج ١٤، ص ٤٣٨، ح ١٠.
٧٠. همان مدرک، ج ٣، ص ٢٩٥، ح ٢٠؛ وسایل الشيعه، ج ١٤، ص ٢٤٢، ح ١؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٣٠٥، ح ٥٤؛ تفسير الصافي، فيض كاشاني، ج ١، ص ٤٤٠، بيروت ١٣٩٩ ق.
٧١. همان مدرک، ج ٣، ص ٢٩٥، ح ٣٣؛ وسایل الشيعه، ج ١٤، ص ٢٤٢، ح ٢.
٧٢. همان مدرک، ج ٣، ص ٢٩٨، ح ٢٤؛ وسایل الشيعه، ج ١٤، ص ٤٣٨، ح ٩؛ رساله متعد (ازدواج موقت)، شيخ مفيد، ترجمه سيد حسين نجفي، قم ١٣٨٢، ص ٢٠، ح ٨.
٧٣. وسایل الشيعه، ج ١٤، ص ٤٤٣، ح ١٠؛ رساله ي متعد، شيخ مفيد، ص ١٦، ح ١.
٧٤. وسایل الشيعه، ج ١٤، ص ٢٤٢، ح ٣؛ رساله متعد، شيخ مفيد، ص ١٩، ح ٧، المقنع شيخ صدوق ١١٣، بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٣٠٦، ح ١٩.
٧٥. همان مدرک، ج ١٤، ص ٤٤٤، ح ١٥؛ رساله متعد، ص ٢٠، ح ١٠؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٣٠٧، ح ٢٢.
٧٦. همان مدرک، ج ١٤، ص ٤٤٣، ح ١١؛ رساله متعد، ص ١٧، ح ٣؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٣٠٥، ح ١٥.
٧٧. همان مدرک، ج ١٤، ص ٤٤٣، ح ٨؛ تفسير الصافي، فيض كاشاني، ج ١، ص ٤٣٩، بيروت ١٣٩٩ ق.
٧٨. من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٢٩٥، ح ١٩؛ رساله ي متعد، ص ٢٠، ح ٩؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٣٠٦، ح ١٦؛ كتاب المقنع شيخ صدوق، ص ١١٣.
٧٩. من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٢٩٥، ح ١٩؛ رساله ي متعد، ص ٢٠، ح ٩؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٣٠٦، ح ١٦؛ كتاب المقنع شيخ صدوق، ص ١١٣.
٨٠. وسایل الشيعه، ج ١٤، ص ٤٤٤، ح ١٤؛ بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٣٠٦، ح ١٨.
٨١. همان مدرک، ج ١٤، ص ٤٣٧، ح ٤.
٨٢. الروضه البهيّه في شرح اللعه الدمشقيه، زين الدين الشهيد الثاني، كتاب النكاح، ج ٢، ص ٨٦.
٨٣. حديق الناضر، في أحكام العتره الطاهره، الشيخ يوسف البحراني، ج ٢٤، ص ١٠٠.

تفسير

اهداف ازدواج موقت در قرآن کریم

١٩٨

۸۴. تفسیر کبیر، فخر رازی، ج ۱۰، ص ۵۰؛ تفسیر المنار، محمد رشید رضا، ج ۵، ص ۱۵.
۸۵. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۰۳؛ خیمه عفاف، بحث های تحلیلی درباره ی ازدواج موقت، ص ۳۶.
۸۶. جامع البیان فی تفسیر القرآن طبری، ج ۵، ص ۹؛ الدر المنثور، سیوطی، ج ۲، ص ۱۳۹؛ تفسیر البحر المحیط، ابو حیان، ج ۳، ص ۲۲۵.
۸۷. سوره مائده، آیه ۷۸
۸۸. تفسیر کبیر، فخر رازی، ج ۵، ص ۵۲.
۸۹. الغدیر، ج ۶، ص ۲۲۲، ۲۲۰؛ جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۵۰؛ موج تنها، ص ۸۶، ۸۳.
۹۰. نظام حقوق زن در اسلام، شهید استاد مرتضی مطهری، ص ۶۸، ۶۷؛ انتشارات صدرا، تهران ۱۳۸۲ ه.ق.
۹۱. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰
۹۲. تفسیر کبیر، فخر رازی، ج ۱۰، ص ۵۰.
۹۳. تفسیر البیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی، ج ۳، ص ۱۶۶؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن شیخ طبرسی، ج ۳، ص ۵۲.
۹۴. موج تنها، محمود ارگانی بیهبانی، ص ۹۳، ۹۰.
۹۵. تفسیر المنار، رشید رضا، ج ۵، ص ۱۵؛ بیروت ۱۳۹۳ ه.ق.
۹۶. همان مدرک، ج ۵، ص ۱۶.
۹۷. البیان فی تفسیر القرآن، آیت الله خوئی، ص ۳۲۹.
۹۸. الغدیر، علامه امینی، ج ۳، ص ۳۲۹؛ ج ۶، ص ۲۲۶؛ موج تنها کندوکاوی درباره ازدواج موقت، ص ۹۹.
۹۹. همان مدرک، ج ۳، ص ۳۳۰ - ج ۶، ص ۲۲۹ و ۲۲۶.
۱۰۰. الغدیر، ج ۳، ص ۳۳۱؛ موج تنها، ص ۹۹، ۱۰۵.
۱۰۱. خیمه عفاف، ص ۸۱.
۱۰۲. صحیح بخاری، ابو عبدالله، محمد بن اسماعیل، ج ۷، ص ۲۴، بیروت ۱۴۰۷ ه.ق؛ احکام القرآن، جصاص ج ۲، ص ۱۵۰؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۴۱.
۱۰۳. تفسیر کبیر، ج ۱۰، ص ۵۱؛ تفسیر البحر المحیط، ج ۳، ص ۲۲۶؛ احکام القرآن، ج ۲، ص ۱۵۰.
۱۰۴. همان مدرک، ج ۱۰، ص ۵۱؛ احکام القرآن، ج ۲، ص ۱۵۳؛ تفسیر البحر المحیط، ج ۳، ص ۲۲۶.
۱۰۵. الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۴۱؛ تفسیر البحر المحیط، ج ۳، ص ۲۲۶.

١٠٦. خيمة عفاف، حسين كريمي، ص ٨٣.
١٠٧. البيان في تفسير القرآن، آيت الله خويي، ص ٣١٦؛ كتاب الخلاف في الفقه، شيخ طوسي، ج ٢، ص ١٧٩، الانتصار، سيد مرتضى علم الهدى، ص ١١٠.
١٠٨. الانتصار، سيد مرتضى علم الهدى، ص ١١٠.
١٠٩. جمان مدرک، ص ١١٠؛ البيان في تفسير القرآن، آيت الله خويي، ص ٣١٩.
١١٠. الخلاف في الفقه، شيخ طوسي، ج ٢، ص ١٧٩؛ تفسير قرطبي، ج ٥، ص ١٣١، ١٣٠؛ البيان في تفسير القرآن، ص ٣٢٣، ٣٢٠؛ الغدير، ج ٤، ص ٢٢٤، ٢٢٦.
١١١. احكام القرآن، جصاص، ج ٢، ص ١٥٢؛ تفسير البحر المحيط ابو حيان، ج ٣، ص ٢٢٦؛ الدر المنثور، سيوطي، ج ٢، ص ١٤٠؛ شرح صحيح مسلم، يحيى بن شرف النووي، ج ٣، ص ٥٢٩.
١١٢. الغدير، ج ٣، ص ٣٢٢ و ج ٤، ص ٢٢٨، ٢٢٩.
١١٣. تهذيب الأحكام، شيخ طوسي، ج ٧، ص ٢٤٩، تفصيل احكام نكاح.
١١٤. جواهر الكلام، ج ٣٠، ص ١٥٠.
١١٥. البيان في تفسير القرآن، ص ٣٢٤.
١١٦. الجامع لأحكام القرآن، قرطبي، ج ٥، ص ١٣٠؛ الدر المنثور، ج ٢، ص ١٤٠؛ احكام القرآن، جصاص، ج ٢، ص ١٤٧.
١١٧. البيان في تفسير القرآن، آيت الله خويي، ص ٣١٥.
١١٨. تفسير المنار، ج ٥، ص ١٤.
١١٩. الجامع لأحكام القرآن، قرطبي، ج ٥، ص ١٣٠؛ تفسير كبير، فخر رازي، ج ١٠، ص ٥١؛ تفسير ابن كثير، ج ١، ص ٤٠٨.
١٢٠. البيان في تفسير القرآن، آيت الله خويي (ره)، ص ٣١٥؛ تفسير التبيان، شيخ طوسي، ج ٣، ص ١٦٦.
١٢١. احكام القرآن، جصاص، ج ٢، ص ١٤٩؛ الجامع الاحكام القرآن، قرطبي، ج ٥، ص ١٣٠.
١٢٢. البيان في تفسير القرآن، آيت الله خويي، ص ٣٢٧.
١٢٣. التبيان في تفسير القرآن، شيخ طوسي، ج ٣، ص ١٦٥.
١٢٤. وسایل الشيعه، ج ١٤، ص ٤٢٧، ح ٤؛ البيان في تفسير القرآن، آيت الله خويي، ص ٣٢٤؛ جواهر الكلام، ج ٣٠، ص ١٥٠.

تفسير

اهداف ازدواج موقت در قرآن كريم

٢٠

۱۲۵. کتاب الخلاف فی الفقه، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۱۷۹؛ تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، ج ۷، ص ۲۴۹؛ الانتصار، سید مرتضی، ص ۱۰۹؛ الروضه البیّنه فی شرح اللمعه، ج ۲، ص ۸۶؛ حدائق، ج ۲۴، ص ۱۰۰؛ جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، ج ۳۰، ص ۱۵۰؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۲۹۷.
۱۲۶. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۳۸، ح ۱۰؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۹۱، ح ۱.
۱۲۷. شرح صحیح مسلم، النووی، ج ۳، ص ۵۲۷ - ۵۳۶؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۳۹؛ احکام القرآن، جصاص، ج ۲، ص ۱۴۶؛ تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۱۰، ص ۵۳؛ الجامع القرآن، قرطبی، ج ۳، ص ۱۳۰.
۱۲۸. الانتصار، سید شریف مرتضی علم الهدی، ص ۱۰۹.
۱۲۹. کتاب الخلاف فی الفقه، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۱۷۹.
۱۳۰. همان مدرک، ج ۲، ص ۱۷۹؛ التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی، ج ۳، ص ۱۶۶؛ مجمع البیان، شیخ طبرسی، ج ۲، ص ۵۳.

تفسیر

اهداف ازدواج موقت در قرآن کریم

۲۰۱